میکرو فیلم تهیه شد

۱۸ /۵/ ۱۳۸۲

آستان قدس

کتابخانه آستانقدس

اسم کتاب: ~~رساله در آداب دعا~~ طریق ختم دعا — فارسی

مصنف: عبدالرشید (...صفائی از آن اقدم)

مؤلف

خطی: نسخ ۱۰ سطری کاغذ ... جدول زر و سیاهی

چاپی

سال چاپ یا تحریر ... عدد اوراق ۸۶

جزء کتب: ادعیه ... شماره خصوصی

شماره عمومی: ۱۲۸۴۴ ... شماره قبض

واقف: ~~حسین کی استوان~~ ... تاریخ وقف: آبان ۱۳۲۸

طول: ۱۶ ... عرض: ۱۰/۴ ... شماره صفحات

۹۰

صحافی
جواد ... گران

کتابخانه شخصی حسین کی استوان طهرانی
شماره ۸۳ نام کتاب [illegible]

این کتاب دعا که تقریباً [illegible] سال
دارد توسط عبدالرشید برای
[illegible] تقدیم و [illegible]
تحریر شده و حاوی [illegible]
حضرت صادق علیه السلام [illegible]
مهم که نظیر ندارد

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوا[ن]
۱۹

کتابخانه حسینیه ارشاد
شماره دفتر ۱۸۸
تاریخ

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] سپاس قایم الاساس و شکر و ثنای خارج
از حد ذات احدیت را استحقاق و لوازم اختصاص
واجب الوجود را مخصوص و مسلم است که جمیع
افراد ممکنات و تمام اشیا اصل موجودات را بمعبودی
کریم [illegible] و ما خلقت الجن و الانس الا لیعبدون

علیه و علیهم ما اتصل اللیل بالنهار و العشی
بالابکار و الاشجار بالاثمار فانهم حجج الجبار
بعد چنین گوید فقیر بی مقدار و حقیر خاکسار عبد
الرشید محتاج بعفو غفار که چون بتقدیر مرور دوران
و تغیر فلک دوار از جهت ارشاد بعضی ایلات قدم
در افشار نامدار و وارد بلده ارومیه و حوالی آن
دیار گردیده دید که اکثر مردم از مؤمنین آن دیار
از معرفت [illegible] الضروری طهارت و نماز که اهم
ضروریات [illegible] مبین است غافل و عاری و
بعضی دیگر محتاج بادعیه طلب فرزند و ضروری
آن از حضرت [illegible] و خواص ایشان محتاج بآداب
و استیار [illegible] ضروری پس با وجود کثرت اشتغال

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

بسبب حل و ترحال و ضیق مجال و تشتت بال و
تراکم ملال اشتغال باغراض ضرور دانسته شروع
نمود و بالله التوفیق و چون مأمول چند قسم
بود در رساله را مرتب بمقدمه و سه باب و خاتمه
نمود باین فهرست مقدمه در بیان تحریص و ترغیب
بر ادعیه و اذکار و بیان بعض شرایط دعا و احوال
داعی و اوقات دعا باب اول در بیان آداب
طهارت و کیفیت و اقسام و ادعیه آنها
باب دوم در بیان آداب و کیفیت و واجبات
ضروری نماز و تعقیبات ضروریه آن باب
سیم در بیان ثواب فرزند داشتن و ادای ادعیه
طلب آن و انچه بعد از آن جهت فرزندان واجب

و ضرور است خاتمه در بیان دستور العملی که حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام جهت عبدالله نجاشی
در باب حکومت اهواز نوشته و چون در هر یک از
ابواب ثلثه مطالب بسیار مذکور میگردد لازم دید
که هر یک را در سه فصل مبین سازد و الله الموفق
والمعین مقدمه در ترغیب و تحثیث و تنبیه
بر ادعیه و اذکار باید دانست که غرض کلی حضرت
سبحان از خلق نوع انسان و تکریم و تکلیف
انسان بنص صریح قرآن عبادت پروردگار منان
است و افضل عبادات چنانچه از اخبار و آیات مستفاد

میشود بعد از نماز ادعیه و اذکار است زیرا که کریم
صاحب امتنان دوست میدارد بخشش و احسان
تا کرمش بر همه ظاهر کردد و بخواستن از آن هر کس رغبت
نماید و در چندین مکان از قرآن امر بان فرموده
چنانکه در یکی فرموده اُدعُونِي اَستَجِب لَکُم
و در جای دیگر بخوانید مرا که مستجاب میکنم از برای شما
اُدعُوا رَبَّکُم تَضَرُّعًا وَ خُفیَةً و در مکان دیگر
بخوانید پروردگار خود را از روی تضرع و پنهانی نزدیک همین عبارت
و در باب تاکید دیگر نیز فرماید اُذکُرُونِي اَذکُرکُم
و در جای دیگر فرموده یاد کنید مرا تا یاد کنم شما را

اذکر

اُذکُرُوا اللهَ ذِکرًا کَثِیرًا و سایر آیات
یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار که ذکر آنها باعث طول
میکردد و از جهت ترغیب بر دعا همین بس که در عقب
آیه اولی خداوند رازق هر کس فرماید اِنَّ الَّذِینَ
یَستَکبِرُونَ عَن عِبَادَتِي سَیَدخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ (بدرستیکه آنکسانی)
که سر باز میزنند از عبادت من بزودی داخل میشوند جهنم را (خوار و ذلیل)
که دعا را عبادت فرموده و ترك آن را استکبار و
موجب دخول نار کردانیده و دیکر از حضرات ائمه
معصومین صلوات الله علیهم احادیث بسیار زیاد
ثواب بیشمار جهت قراءت کلام پروردکار وارد کشته

حتی اینکه بعد دهر یک حرفی صد حسنه فرموده اند و
اضافه بر این و مع هذا حدیث معتبری از حضرت ابی جعفر
علیه السلام وارد که ترجیح داده ثواب کثرت دعا را بر کثرت
قرآن و دیگر آنکه چون انسان در دار حوادث است که
یکدم خالی از ضرر و موانع نیست و دفع ضرر و الم از خود
باوجود قدرت بر آن واجب و لازم و هیچ چیز مثل
دعا و اذکار دافع و مانع نباشد مجملا منافع دعا زیاده
از عد و احصاست چنانچه ثواب آن نیز در حیز تبیین
زبان نتوان گنجانید اما بیان بعضی از شرایط دعا اینکه
دعا را بحضور قلب و خشوع کلی و خضوع تمام خواند

واز

و از خوردن حرام و شبهه نیز اجتناب نماید و باید
که آن دعا نیز مؤثر و از معصوم مأثور باشد و تصحیح آن
نموده رعایت اعراب و ادایش نماید و عارف بمعانی الفاظ
و عبارات باشد که در تأثیر اثر عظیم دارد و بوقت
و دستهارا بطریق سایلان باسمان دراز کند و باطهارت
باشد و اگر در عقب نماز واجب باشد بهتر و در ابتدا
بسم الله بگوید و صلوات بر محمد و آل او فرستد و بعد
از اتمام نیز صلوات فرستد چه در حدیث وارد گشته
که اگر کسی چنین کند البته دعایش مستجاب میگردد
زیرا که صلوات البته مستجاب است پس خداوند عالم

طرفین را قبول نکند که میان او واکذارد و قبل از مسئلت
و دعا تقدیس و تمجید خدا کند و از صفات و اسماء او
انچه دانند مذکور سازند و بقدر همت و رغبت و کنند که این
انجاست در نیل مقصد و در روایت وارد کشته که هر یک
از یا الله یا ربّاه یا ربِّ یا سیّداه را ده بار و یا ارحم
الرّاحمین را نیز هفت بار پیش از عرض مطلب بکویند
و در روایت دیکر شخصی از امیر المؤمنین ع پرسید
که چکونه پیش از دعا تمجید خدا کنی آنحضرت فرمود که بکو
یا مَنْ هو اقربُ الیّ من حبل الورید یا فعّالاً — اقرب
ای انکه نزدیکتر است بمن از شهارک ای کننده از

لما یُرید یا مَنْ یحُولُ بین المرءِ وَ قلبِه یا مَن هُوَ بالمنظر
از برای چیزی که اراده میکند ای انکه حایل میشود میان مرد و دلش ای انکه او بنظر
الاعلیٰ یا مَن لیسَ کمِثلِه شیءٌ یا سمیعُ یا بصیرُ
برتر است ای انکه نیست همچو مثل او چیزی ای شنوا ای بینا
بعد از آن شروع در دعا نماید و دیکر از شرایط دعا
انکه انچه بجهت خود خواهد جهت مؤمنین نیز طلب
نماید و ایشانرا در دعای خود شریک کرداند و اکر بجا
هر مطلبی که خودش خواهد از جهت برادر مؤمن طلبید
در حدیث وارد که ملئکه جهت او اضعاف انرا خواهند
واکر دیرتر باجابت رسد از دعا ملول نکردد که ترک

دعا نماید زیراکه ممکنست که مصلحت او در تاخیرش
باشد یا ذخیرهٔ آخرتش کرده فاما باید که در وقت
دعا کردن اعتقاد بلکه یقین باجابت آن داشته
باشد زیراکه حضرت فرماید که هرگاه دعا کنی پس
حاجت خود را یقیناً بر در خانهٔ خود بدان اما حالات
ناجح و اوقات دعا پس باید که قصدش مشروع
باشد و ظلم و خلاف شرع و قصد هلاک و استیصال
مؤمنی نعوذ بالله نباشد و خود را بگریه دارد و اگر
او را گریه نیاید خود را بطریق گریه کنندگان بدارد
که احادیث بسیار وارد گشته که در آن حالت دعا کردن را

غنیمت

غنیمت باید شمرد که علامت استجابت دعاست و
باید دانست که این از معرفت تفسیر و علم بمعانی ادعیه
حاصل کرده و دیگر از حالات حال قراءت قرآنست
و اذان و بودن در جنگ با کافران و در حال باریدن
باران از آسمان و بهترین اوقات دعا کردن وقت سحر
است که آنساعت متصل بصبح است که برتری آن وقت
زیاده بر سایر اوقات شبانست و دیگر از حالات حال
احرام حج است و در حال روزه و وقت افطار زیراکه
در احادیث وارد گشته که در این حالات و اوقات البته دعا
مستجاب میگردد و از جمله اوقات دعا هر صبح و شام است

وسدس آخر شب و روز جمعه و وقت نکاح کردن
و اول وقت هر نماز و وقت وزیدن بادها و نزول باران
در هشت اند چه در حدیث وارد گشته که درهای آسمان در این
اوقات گشوده میشود و بعضی از اوقات استجابت متفرقه
نیز قبل از این گذشت و بهمین قدر که در خاطر بود مقدمه را
ختم نمائیم اما باب اول پس در بیان آداب طهارت و کیفیت
و اقسام و ذکر ادعیه هر یک از اقسام آن و چون اقسام طهارت
سه است وضو و غسل و تیمم و هر سه موقوف بر معرفت آداب
خلوت است پس از جهت تعریف و تفریق لابدیم از ایراد سه
فصل فصل اول در بیان آداب خلوت و وضو و ادعیه

هر یک

هر یک باید دانست که بمدلول آیه قرآن که حضرت منان فرموده
أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا خلق انسان بلکه غرض از این
آیا پس پنداشتید شما که آفریدیم شمارا بعبث و بی فایده عبث و بیفایده نخواهد
بود بلکه بمنطوق کریمه وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ
إِلَّا لِيَعْبُدُونِ و خلق نکردم جن و انس را مگر اینکه
عبادت کنند مرا مقصود از خلق انسان عبادت یزدانست
و افضل همه عبادات نماز است زیرا که حضرت سبحان در هر شبانه
روزی بنی نوع انسان را پنج بار ادای آن تکلیف نموده
بخلاف سایر عبادات چون زکوة و روزه که در هر سال
یکمرتبه واجب گردانیده و حج که در عمر خود یکبار با وجود

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

شرایط آنها و دیگر آنکه در احادیث بسیار وارد گشته که
قبولی نماز باعث قبولی سایر عبادات میگردد پس سعی
بسیار باید نمود که مسایل و آداب انرا درست نماید که شاید
آن بدرجهٔ قبول رسد تا سایر عبادات نیز بقبول آن مقبول
شود و درست بودن نماز موقوف بصحت طهارت و همچنین
صحت طهارت موقوف بصحت آداب خلوت پس سعی
در معرفت ان مقدم بر معرفت آداب و مسایل همهٔ عبادات
است پس گوییم که چون ارادهٔ دخول بیت الخلا نماید سنت است
که سر خود را پوشیده دارد اگر همه دستمالی بر سر اندازد
و پای چپ را مقدم داشته برعکس مسجد و اینده عا بخواند

بِسْمِ اللهِ وَ بِاللهِ وَ اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الرِّجْسِ النَّجِسِ
بنام خدا و بیاری خدا و بناه میبرم بخدا از کندیدهٔ نجس
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و بعد از دخول بگوید
الْحَمْدُ لِلهِ الْحَافِظِ الْمُؤَدِّى شیطان رانده شده
حفظ کننده بمرکز
و در وقت نشستن سپاس مر خدایرا که نگاه دارنده و رسانندهٔ خود
بعد از محافظت خود از نظر نامحرم سنگینی خود را
بطرف چپ اندازد و در وقت فعل حاجت بگوید
الْحَمْدُ لِلهِ الَّذِى اَمَاطَ عَنِّى الْاَذَى وَ عَافَانِى مِنَ الْبَلْوٰى
سپاس مر خدایرا که دور کرد از من آزار او عافیت داد مرا از بلا
و چون در حدیث وارد گشته که ملکی موکل است بر انسان

که در این حال آمده سزاوار است که ملاحظه این نماید
که الوان نعمتهای بی منتهای حق تعالی را باین حال کرده
و شکر آنها را بجا نیاورده پس باید که در این حال
باین قدر شکر منعم متعال گویا گردد
الحمد لله الذی اطعمنی طیبا واخرج منی خبیثا
سپاس مر خدای را آن خدایی که خورانید مرا پاکیزه و بیرون کرد از من پلید
فی عافیة و بسیار ننشیند که موجب بواسیر و ریاح است
در عافیت وطول انجر خبثه میشود و بعد از آن
استبرا از بول واجبست که سه نوبت از اصل مقعد
انگشت میانه را بر سر اصل ذکر گذاشته تا بیخ ذکر مسح نمودن
است

است و سه بار از اصل ذکر تا سر حشفه و سه بار
دیگر بقوت فشردن ذکر و بعد از استبرا استنجا نیز
واجب است که اگر بول کرده باشد دو مرتبه حشفه را
باب بشوید و اگر غایط نیز کرده اول مخرج غایط را
باب اگر حوالی آن آلوده شده باشد و الا به سه سنگ
یا زیاده که طاق باشد پاک میتوان نمود و اگر اول
به سنگ مسح نماید و بعد از آن باب نیز بشوید و یا
مکرر که اثر قطع نماید و بعد از آن باز بریزد اکمل و
بهتر است و از جهت زنان نیز استبرا واجب است باین
طریق که دو انگشت سبابه را یکی را باین سمت فرج

[illegible] بطرف دیگر گذاشته سه مرتبه بقوت
بفشارد تا بقیه بول بیاید و در وقت نظر کردن
باب آب این دعا بخواند الحمد لله الذی جعل الماء
طهورا ولم سپاس مر خدای را آنکه گردانید آب را
پاک کننده و نه یجعله نجسا و در وقت استنجا
کردن این گردانید آنرا نجس دعا بخواند
اللّهم حصّن فرجی واستر عورتی واعفهما
ایشانرا
خداوندا باز دار فرج مرا از حرام و بپوشان عورت مرا و عفیف گردان
وحرّمنی علی النار و بعد از آن برخواست
و حرام گردان مرا بر آتش بر شکم مالد و این دعا بخواند

الحمد لله الذی عرّفنی لذّته وابقی
سپاس مر خدای را است که شناسانید مرا لذت آنرا و باقی گذاشت
فی جسدی قوّته واخرج عنی اذاه یا
در بدن من قوت آنرا و بیرون کرد از من ایذا آنرا ای
لها نعمة یا لها نعمة [illegible]
تعجب کنید از نعمتی تعجب کنید از نعمتی که قادر نیست [illegible]
قدرها بعد از آن بیرون آمدن پای راست را
اندازه آنرا مقدّم دارد و از جمله آداب خلوت
کراهیت کلام و حرف زدنست مگر از جهت ضرورت
یا حکایت اذان یا آیة الکرسی و دعا زیرا که

رخصت در اینها واقع شده و نیز مکروه است
خوردن و آشامیدن و مسواک کردن و از جمله
آداب آن حرمت رو بقبله یا پشت بآن نشستن است
خواه در بنا باشد و خواه در صحرا و اگر بنای بیت
الخلا را بآن گذاشته باشند واجب است که منحرف
نشینند و بوضعی نشینند که نور آفتاب یا ماه
بر عورتینش تابد و احتراز تمام نماید از رو بباد
بول کردن و همچنین در زمین سخت که احتمال ترشح
میرود و در سوراخ حیوانات و در آب بول
نکنند زیرا که وارد شده که اگر جاری باشد موجب

سلس البول و اگر ایستاده باشد باعث حبس البول
میگردد بلکه باید در مکان مرتفعی نشینند که از
ترشح ایمن باشد که در حدیث وارد شده که اکثر عذاب
قبر از عدم تنزه از بول است و بعد از خاطر جمع نمودن
از مذکورات متوجه وضو ساختن گردد و اما آداب
وضو اولا باید که از آب و مکان وضو خاطر جمع
کرد اند که غصبی نباشد و اگر رو بقبله نشیند
بهتر است و شنیده شده که بمجرد همین ثواب دو رکعت
نماز جهت او نوشته میشود و اگر کسی دیگر آن
او آب بیاورد بهتر است و ظرف اگر سر گشاده باشد

در طرف راست گذارد و دستها را پیش از ادخال
از جهت حدث خواب یکبار و از بول و غیر آن دو بار
بشوید و در اثنا قصد کند که افعال سنتی وا
وضو را بجای آورم برای خدا و در وقت نظر کردن باب بگوید
الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعله
سپاس مر خدای را که گردانید آب را پاک کننده و نگردانید آنرا
نجسا چنانچه گذشت در آداب خلوت و بعد از
بین دست در آب زدن بگوید
بسم الله و بالله اللهم اجعلنی من التوابین
بنام خدا و بیاری خدا خداوندا بگردان مرا از توبه کنندگان

واجعلنی

واجعلنی من المتطهرین و این بسم الله الرحیم
وبگردان مرا از پاکیزگان در اول هر کاری حدیث
دارد اما در اول وضو تاکیدش بیشتر است که حضرت
امیر المؤمنین ع شخصی را چندین مرتبه امر باعاده
وضو فرموده بعد از آن بسه کف آب مضمضه کند
و اگر در ابتداء وضو مسواک نکرده باشد در اثناء
مضمضه مسواک کند که اگر چوب مسواک حاضر نباشد
بانگشت مهین سبابه نیز توان کرد و باید عادت آن وقت بخواند
اللهم لقنی حجتی یوم القاک و اطلق لسانی
خداوندا بفهمان مرا حجت مرا روزی که ملاقات کنم ترا و گویا گردان زبان

بذکراک و بعد از ان بسه کف اب دیگر استنشاق

بذکر خود کند و در هر مرتبه استنشا ر نیز نماید و در انوقت

اینه عا بخواند اللهم لا تحرم علی طیب الجنة و

خداوندا حرام مگردان بر من بوی خوش بهشت را و

اجعلنی ممن یشم ریحها و روحها و ریحانها

بگردان مرا از انکسی که میبوید بوی انرا و نسیم خوش انرا و گلهای انرا

بعد از ان قصد کند که افعال واجب وضو را

بجا می اورم جهت مباح شدن نماز برای خداوند

عالمیان و در انوقت که آبرا از بالای رستنگاه موی

سر میریزد جهت شستن رو این دعا میخواند

بسم الله اللهم بیض وجهی یوم تسود فیه

بنام خدا خداوندا سفید کن روی مرا روزی که سیاه میشود در ان

الوجوه و لا تسود وجهی یوم تبیض فیه

روها و سیاه مگردان روی مرا روزی که سفید میشود در ان

الوجوه و در میان علما مشهور و در احادیث

روها ماثور است که اعضاء وضو که شسته

میشود که ان رو و دستها باشد دو مرتبه باید

شسته شود که مرتبه اول واجبست و ثانی سنت

اما بعضی از علما را اعتقاد اینست که مرتبه ثانی

آب تازه میشود جهت مسح پس از جهت استیعاب و بعد

آن
آمد استحباب اگر چنانچه اولا دست تری بر اعضای
مالد نیابد و بی دست مالیدن دو مرتبه بر هر عضوی
آب ریزد بهتر است و واجبست شستن روی از بالای
رستنگاه موی سر تا انتهای موی مقابل ذقن در
طول و آنچه فرا گیرد آنرا انگشت ابهام و وسطی از
مستوی الخلقه در عرض و غیر مستوی الخلقه باید در
شستن حواله بآن نماید که هر چه آن شوید این نیز
[illegible] و کسیکه موی محاسنش تنک باشد و پوست
رویش از ته مو نمایان باشد واجبست بر او که دست
بمالد تا آب بته مو برسد و الا ریختن آب بر روی مو کافیست

رجوع

ودر

و در ادخال چشمها و دهان را باز دارد و بعد از آن
دست راست را از بالای مرفق تا سر انگشتان
بشوید که مو بالا برده شود و تخلیل تر مرفق و موهای
دست عضا و چینهایی که در دست باشد کند
تا آب بهمه جا رسد و در ادخال بید عا بخواند
اللهم اعطنی کتابی بیمینی والخلد فی
خداوندا بده کتاب مرا بدست راستم و همیشه بودن در
الجنان بیساری وحاسبنی حسابا یسیرا
بهشت ابد بدست چپ من و حساب کن مرا حسابی آسان
و دست چپ را بعد از آن نیز بدستور بشوید و در

آن

وقت بگوید اللّهمّ لا تعطنی کتابی

خداوندا مده کتاب مرا

بشمالی و لا من وراء ظهری و لا تجعلها

بدست چپ من و نه از پشت من و مگردان آنرا

مغلولة الی عنقی و اعوذ بک من مقطعات

غل کرده شده در گردن من و پناه میگیرم بتو از جامهای بریده

النیران بعد از آن به پشت دست چپ عمامه یا آنچه در

از آتش

سر دارد بالا برده مو یا پوست پیش سر را بقدر

سر انگشت عرضا که سه انگشت را بگذارد و حرکت

دهد و الا بیک انگشت باندر مسح نماید و در اثنا

این دعا

این دعا بخواند اللّهمّ غشّنی برحمتک و برکاتک

خداوندا بپوشان بمن رحمت خود را و برکتهای خود را

و ظلّلنی تحت ظلال عرشک بعد از آن بلا فاصله

و سایه بده مرا در زیر سایهٔ عرش خودت شروع در مسح پاها نموده

بتقدیم پای راست و ابتدا از سر انگشتان بلکه انگشتهای

دست را بزیر انگشتان پا برده تا بر آمدگی که در روی

پاست که آن اصل ساق است بتمام کف دست مسح نماید

بنحوی که تکیه بر چیزی کرده باشد یا پای خود را بر زمین

قرار داده باشد و در آن حین این دعا بخواند

اللّهمّ ثبّت قدمیّ علی الصراط یوم تزلّ

خداوندا ثابت گردان قدمهای مرا بر صراط روزی که میلغزد

فِيهِ الاَقْدامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرضِيكَ عَنِّي
دران قدمها   و بکردان سعی مرا در انچه راضی کرداند ترا از من
يَاذَا الجَلالِ وَالاِكْرامِ و بعد از اتمام
ای صاحب بزرکی و کرامی داشتن   وضو بکوید
اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ تَمَامَ الوُضُوءِ وَتَمَامَ الصَّلوةِ
خداوندا بدرستی که میخواهم از تو تمام بودن وضو و تمام بودن نماز
وَتَمَامَ رِضْوَانِكَ وَالجَنَّةَ که حضرت امیر المومنین
و تمام بودن رحمت تو و بهشت را   و سید الوصیین
بعد از اینها فرموده که هر که وضو سازد چنانچه من
ساختم و بکوید انچه من کفتم که اند عاها باشد

خداوند صاحب احسان خلق کند بعد از هر قطره
آبی که در ان وضو صرف کرده ملکی تا استغفار کنند
برای او تا روز قیامت و چون در احادیث وارد
کشته که انا انزلناه زکوة وضوست بعد از آن
یکبار یا سه بار یا ده بار سورهٔ کریمه قدر را بخوانند
وسنت است که آب وضو بقدر یکچهاریك تبریز باشد
و واجبست در وضو موالات که پی در پی افعال
آنرا بجای اورد که بدون ضرورت عضو سابق بران
خشك نشود و اکر در اثنای وضو محدث شود از
سر کیرد و اکر شك کند در عضوی در حین وضو

اتیان بان عضو مشکوک فیه کند و بما بعدش
تا از ترتیب واجب نیفتد و اگر بعد از اتمام وضو
باشد شک اعتبار ندارد و اگر در اثنای نماز بخاطرش
رسد که مسح نکرده اگر تری باقیست مسح نماید و نماز را
تمام کند والا از سر گیرد و یقین در وضو و شک
در حدث مبطل نیست مگر یقین در حدث و شک
در وضو یا یقین در هر دو و شک در تقدیم و تاخیر
اما اقسام وضو پس وضو بر دو قسم باشد یا واجب یا
سنت اما وضوی واجب جهت نماز واجبست یا
طواف یا دست مالیدن بخط مصحف یا به نذر و یمین

و عهد واجب شده باشد اما وضوی سنت پس جهت
خوابیدن است یا حمل مصحف یا همیشه با وضو بودن یا
تجدید وضو کردن یا جماع خصوصا با زن حامله یا
جماع محتلم یا جماع دیگر یا جهت نماز میت و بعد از
آمدن وذی و مذی و از جهت عقب حاجتی رفتن که
حضرت فرماید که تعجب دارم که کسی که بی وضو عقب
حاجتی رود چگونه حاجتش بر آید و همچنین غیر اینها
نیز وضو سنت میباشد فصل دویم در بیان اسباب و آداب
غسل و احکامش و ادعیه و کیفیت و اقسامش اما
اسباب غسل دو است یکی انزال منی است خواه در خواب

یا در بیداری وخواه در حال صحت یا در حین بیماری دویم
غایب کردانیدن حشفه است که آن قبل زن باشد :
بجنبتی که التقاء ختانان واقع شود که این نیز موجب غسل
میشود هر چند انزال منی نشود واکر اشتباهی واقع شود
بجهندکی آن وخواهش وسستی اعضا وچسبندکی آن
وبوی شکوفه خرما یا خمیر مایه امتیاز باید کرد واین
غسل نیز واجبست جهت آنچه وضو واجب بود وکاهی
دیکر نیز واجب شود برای روزه بر جنب وحایض ونفسا
که پاک شده باشند وبطلوع صبح بقدر غسل مانده
باشد وسنت است که آب غسل بقدر یک صاع بوده باشد

اما آداب ان پس باید که اول غسل بعد از انزال منی وپیش از
غسل بول کند وسعی بلیغ نماید تا بول آید که منافع بسیار
دارد واکر بقیه منی در مجری مانده باشد می آید والا
استبراء از منی کند بطریقی که در آداب خلوت مذکور
شد که بعد از ان اکر تری بیند دغدغه نداشته باشد
که اکر بول واستبرا هیچکدام نکرده باشد وتری یابد اعاده
غسل نماید واکر بول کرده واستبرا از بول نکرده با وجود
دیدن تری اعاده وضو کند وهمچنین اکر استبرا با وجود
قادر نبودن بر بول باشد والا اعاده غسل نیز باید و
چون متوجه حمام شود باید ملاحظه آن نماید که معده ممتلی

یا خالی نباشد که هر دو نقصان دارد و باید اندک نهاری
کرد و اگر جنب باشد چون مکروه است مر او را اکل و شرب
باید که مضمضه و استنشاق کند تا آن کراهت رفع
شود و همچنین مکروه هست بر او خضاب کردن در این حال
و گذشتن از مساجد و قراءت زیاده بر هفت آیه از قرآن
که غیر عزائم باشد و حمل مصحف نیز و لمس حاشیه اش فاما
حرامست بر او درنگ کردن در مساجد یا چیزی برداشتن
از آنجا که موجب مکث میشود و راه رفتن در مسجدین دخولا
و حرمها و قراءت عزائم هرچند بسم الله باشد بقصد
یکی از آن چهار سوره و همچنین مس خط مصحف و کاغذی

یا چیزی که در آن اسم خدا یا یکی از انبیا یا ائمه هدی
علیهم السلام مقصوداً یا بالذات نقش شده باشد
و بعد از آنکه داخل حمام شده در مسلخ رختهای خود را
بیرون کند و در آن وقت این دعا بخواند
اللّهمّ اسلخ عنّی ثوب الذّنوب والبسنی ثیاب
بار خدایا بیرون آور از من جامه گناهان و بپوشان بمن جامه
التّقوی انّک علی کلّ شیءٍ قدیرٌ و چون متوجه
پرهیزکاری بدرستی که تو بر هر چیز توانایی   حمام گرم گردد
اگر در مابین خانه وسطی باشد در این حال اندکی مکث
و الا در مابین قدری توقف نماید و بیک دفعه داخل

کرم خانه نشود و همچنین وقت بیرون آمدن بدو دفعه
بیرون آید و اگر کیسه کشد و محتاج بخوابیدن گردد در
جای گرم بخوابد که در حدیث وارد شده که پیر کرده را
حرارت آن آب میکند و نیز آب سرد بر بدن نریزد بلکه
آب سرد در حمام نخورد که نقصان کلی دارد و پیش از آنکه
آب بر پای او ریزند چند کف آب گرم بر مغز سر ریزد که
منافع بسیار دارد و قدری آب گرم نیز بخورد که مثانه را
پاک کند و در حدیث وارد شده که هفت کف آب بریزد
بر سر و در هر مرتبه بسم الله بگوید و حدیث دیگر یازده
بار بعد از آن دستها را از مرفق تا سر انگشتان سه بار بشوید

و سه بار

کتابخانه حسینیه ارشاد

و سه بار مضمضه کند و سه مرتبه دیگر استنشاق یا
استنثار و بعد از آن با آب رفته ازاله نجاست از بدن
نماید و شکست و بستگی که در اعضای وضو باشد با امکان وغسل
باید کنده شود و الا مگر آب بآن ریزند و الا دست تر
مالیدن بر آن تا آب بتر آن رسد و بعد از آن اراده
غسل نموده در آن اثنا همان دعا بخواند که در آداب خلو
و وضو مذکور شد و بعد از آن قصد غسل کند باین
طریق که غسل جنابت میکنم جهت مباح شدن نماز واجب
برای خدا و این قصد را مقارن شستن سر کند در غسل
ترتیبی یا نزد مقدم داشتن عضوی از اعضا در ارتماسی

ودر اثنای غسل نیز این دعا بخواند

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِي وَطَهِّرْ بَدَنِي وَ

بنام خدا و بیاری خدا خداوندا پاک کن مرا و پاکیزه کردان بدن مرا و

اشْرَحْ صَدْرِي وَاَجْرِ عَلَى لِسَانِي مِدْحَتَكَ وَ

کشاده کن سینه مرا و روان کردان بر زبان من مدح خودت و

الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وبعد از اتمام بگوید اللّٰهم طهّرني

ثناء خودت [illegible] بارخدایا پاک کردان مرا

مِنَ الذُّنُوبِ وَزَكِّ عَمَلِي وَاجْعَلْهُ خَالِصًا لَكَ يَا اَمَلِي

ای امید من

از گناهان و پاکیزه کردان کردار مرا و بگردان آن را خالص برای خود

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ شَاهِدًا يَوْمَ اَلْقَاكَ يَا كَرِيمُ

خداوندا بگردان آنرا برای من گواهی روزی که ملاقات کنم ترا ای کریم

و بعد از

وبعد از آنکه اراده بیرون آمدن کند قطیفه

کشته

پوشیده و چیزی نیز بر سر پیچد که در حدیث وارد

که همیشه حضرت صادق علیه الصلوة من الله الرزاق

متعمم بوده خواه در سرما و خواه در گرما و در مسلخ

آب سرد بر پای خود ریزد چه در حدیث وارد است که

يَسُلُّ الدَّاءَ سَلًّا یعنی این آب سرد میکشد دردها را

از بدن این آب سرد خوب کشیدنی وبعد از نشستن

اندکی در آن شده بر پشت یا پهلوی راست بخوابد که نفع

بسیار دارد واما احکام غسل پس باید دانست که مشهور

است میان علما که وضو ساختن با غسل جنابت حرام است

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی [illegible]

پس هر وقت که این غسل کنند نه پیش و نه بعد وضو
نسازد و با آن غسل با قیست نماز میتوان کرد و از
یکی از مجتهدین شنیده شده که اگر آن غسل را بشکنند
و وضو سازد بهتر است اما در غیر غسل جنابت
از اغسال دیگر خواه واجب باشد و خواه سنت
وضو ضرور است پیش از غسل که اگر وضو ساخته
باشد در غسل سنت نیز مشکل است حکم کردن
بانکه وضو سازد زیرا که دو حدیث باین لفظ
و قریب باین وارد گشته که حضرات فرموده اند که
ای وضوءٍ اطهر من الغسل یعنی کدام وضوست که

پاک و پاکیزه تر باشد از غسل که تمام اعضا را پاک
گردانیده و اگر اتفاق افتد و وضو فراموشش بشود
غسل را باید سعی نماید که بشکند و بعد از آن وضو
ساخته نماز کند و همچنین متفق علیه علماست که
غسل جنابت از غیر خود از اغسال مجزیست و غیر آن از
او مجزی نی یعنی هر گاه غسل جنابت اتفاق افتد در روز جمعه
یا عید یا غیر آنها و دیگر با وجود غسل جنابت احتیاج
بکردن آنها نیست و باید که در نیت آنها را داخل کرده باشد
باین وضع که قصد کند که غسل جنابت میکنم واجب
و غسل جمعه ادا و غسل زیارت و غسل توبه و هر غسل

سنت دیگر که خواهد قصد کند سنت برای خدا و
چون در احادیث وارد گشته که زیارت حضرت صلو
حضرت امام حسین علیه السلم در عقب هر نماز ثواب
بسیار دارد هر وقت که غسل جنابت کند غسل زیارت
نیز بجا آورده باینحو و بعد از آن زیارت کند که ثواب بسیار
دارد و اگر جنب نباشد چون تداخل در اغسال مسنونه
نمیباشد هر یک را علیحده بجای آورد و در غسل جمعه
نیز قول بتداخل شده اما اقسام اغسال بس غسل بر دو
قسم است واجب و سنت و هر یک افراد بسیار دارد و غسل
واجب شش است بنا بر مشهور غسل جنابت و حیض و استحاضه

ونفاس

و نفاس و مس میت و غسل میت اما اغسال مسنونه
نیز بسیار و از چهل و پنجاه نیز متجاوز و این رساله گنجایش
تعداد آن ندارد اما کیفیت غسل آنچه در حدیث وارد
شده و حضرات با آن عمل نموده و بجا آورده اند غسل ترتیبی
است که شخصی در خارج آب بوده و تطهیر بدن نموده اولا
سر و گردن و ظاهر گوش و بینی و ته موی اینها بشوید بعد
طرف راست را که دست بتمام آنجا احتمال آب نرسیدن دارد
برساند و بعد از آن طرف چپ را بهمان طریق و عورتین را
اولی آنکه با هر دو طرف بشوید و آنچه متفق به علماست دو نحو
است یکی ترتیبی چنانکه گذشت و دیگری ارتماسی که یکد

خود را باب فرو برد یا عضوی را مقدم دارد سایر
اعضا را تابع آن کرده اند اگرچه در میان غلتیدن نیز بعد از
قصد غسل اگر دست یا انگشت یا سر را مقدم داشته
سایر اعضا را تابع آن کرده اند چون سطح آب متبدل می شود
بحرکت انغسل نیز درست است و صحیح است اما احتیاط
و البته علما بان خاطر بیشتر جمع نموده اند است که در میان
آب که هست بعد از قصد غسل بقصد شستن سر و
گردن باب فرو رود و ته موها و سوراخ گوش و بینی
را دست مالیده چشمها را گشاید و بگردن و زیر گلو
نیز دست مالد و بعد از ان پای راست را بیرون آورده

بقصد

بقصد انطرف بار باب فرو کند و دست به همه جانب
راست و سوراخ ناف و عورتین بمالد و بعد از ان
طرف چپ را از آب بیرون آورده باز بهمان نحو در آب فرو
برده بشوید و از خوبی همین طریق غسل بود که در اوایل تحصیل
بدون شنیدن گویا بداعی ملهم شده بود و بعد از ان
از فعل علماء اعلام شنید که آنرا نیز ترجیح میداده اند
اینست معرفت ضروری غسل والله الهادی الی سواء اداب
الطریق فصل سیم در بیان آداب و احکام و کیفیت
و اقسام تیمم باید دانست که تیمم واجب است برای هرچه وضو
و غسل واجب بود که آن نماز و طواف و مس خط مصحف

ودرنگ کردن در مساجد و داخل شدن بدو مسجد
وقراءت عزایم و غیر اینها باشد و در یکجا وجوش زیادتی
بر آنها دارد و آن وقتیست که شخصی در یکی از مسجدین جنب
شود یا زنی خونش آید چون بهمان حال بیرون آمدنش حرام
است باید که فوراً تیمم بدل از غسل نماید در همانجا و بیرون آید
و موجبات تیمم همان موجبات وضو و غسل و اضافه بر آنها همان
نیز وجود آبست پیش از رکوع رکعت اول نماز و تیمم واجب شود
با عدم آب یا عدم آلات و اسباب رسیدن بآن چنانچه در چاهی باشد
و ریسمان و دلو یا ظرفی که توان بآن کشید نباشد و اگر فروشند
واجب بود که آنرا بخرند اگر چه بهای آن ضرر بحال او نداشته

باشد

باشد یا مالش بضرر رسد و اگر در جائی باشد که
خبر از احوال آن نداشته باشد اگر زمینش هموار باشد
با وسعت وقت و قدرت حال دو تیر پرتاب از هر طرف
از چهار جانب حرکت کرده تفحص آب کند و الا یک تیر
پرتاب و اولی نیست که تیمم را باخر وقت گذارد هر چند
عذر مرجو الزوال نباشد و داند که آن عذر بزودی
بر طرف نمیشود و علما را در این مسئله سه قول است
اما کیفیت تیمم اینست که خاک خالص تحصیل نموده
خاطر از طهارتش جمع نماید و اگر حایل و مانعی در دست
داشته باشد مثل انگشتر و غیره آنرا بیرون کند

واکر در دست وکف آن زخمی داشته باشد بسته را
کشاید واکر نتواند که آنرا بر زمین زند خاک را بلند
کند که دست را بر روی آن کذارد و بعد از آن دستها را نهاد
بر روی خاک داشته قدری بلند و قصد کند که تیمم
میکنم بدل از وضو یا بدل از غسل جهت مباح شدن
نماز واجب برای خدا و بعد از آن دستها را بر خاک
زند واکر در وقت مسح پیشانی نیز نیت کند بهتر است
و بعد از آن دستها را بر یکدیکر زند که خاکی درشتی
که بدست چسبیده باشد [illegible]
مسح کند و [illegible] دستها را با بین طرف واسمت

دیکر

دیکر کشند و از پیشانی انکشتان را بر سر دماغ که از شنر
تا سر بینی مسح کند واکر تیمم یکضربی باشد به تمام
انکشتان جمیع پیشانی را مسح نماید تا سر بینی و بعد از
آن با کف دست چپ زنید دست راست تا سر انکشتان
مسح کند بحیثیتی که چین دستها را فرا کیرد و ظاهر
ما بین انکشتان را نیز احتیاط کند و بعد از آن بکف دست
راست دست چپ را بهمین طریق واکر دو ضربی باشد در ضرب
اول پیشانی و در ثانی پشت دستها را مسح کند اما اقسام
تیمم دو است یکی یکضربی و دویم دو ضربی اما علمای رضوان
الله علیهم را در تیمم سه قول است اول یکضربی مطلقا خواه

بدل از وضو باشد و خواه بدل از غسل دوم دو ضربی
مطلقا یعنی خواه بدل از وضو باشد یا غسل که در تیمم دو
بار باید دست بر زمین زند سیم و این مشهورتر است
تفصیل که اگر بدل از وضو باشد یکمرتبه دست بر زمین
زند و اگر بدل از غسل باشد دو بار پس کسی که خواسته باشد
احتیاط کرده بهر سه مذهب عمل نماید باید که دو تیمم کند
یکی بیک ضربی و بقصد وجوب و دیگری دو ضربی و بقصد
قربت هرگاه بدل از وضو باشد و بقصد این دو ضربی را
مقدم دارد و قصد وجوب کند یکضربی را مؤخر و بقصد
قربت هرگاه بدل از غسل باشد که هرگاه چنین کند

هرسه

بهر سه مذهب عمل کرده خواهد بود اما احکام تیمم یکی
آنکه چون حکم مبدل خود را دارد تا هر وقت که باقیست
نماز بآن میتوان کرد و عزایم خواند و غیر آن از قرآن و مس
خط آن نمود دیگر آنکه هرگاه بدل از غسل باشد محتاج
بوضو ساختن نیست و قول باین شده که هرگاه عمدا او را
باشد که او را غسل ممکن نیست جنب شود بر او لازم است
که با تیمم وضو نیز بسازد و مفتی به علما آنست که واجب است
بر او غسل هرچند ضرر باو داشته باشد تا نماز تواند
کرد و دیگر آنکه هرگاه دیر بیدار شود و طلوع آفتاب
نزدیک باشد و داند که تا غسل کند نماز قضا میشود

باید که ازاله نجاست از جامه و بدن نموده تیمم کرده
نماز کند و بعد از غسل کردن اگر اعاده آن نماز کرده [کند]
بهتر است و دیگر آنکه چون در حدیث وارد شده که هر کس
با وضو بجامه خواب رود از جامه خواب جهت او حکم مسجد
دارد و ثواب عبادت در مسجد برای او نوشته میشود تا
برخیزد از آنجا با وجود این تجویز آن نموده اند که اگر بعد از
داخل شدن برخت خواب بخاطرش آید که بی وضوست به لحاف
خود تیمم کند که همان حکم دارد و دیگر آنکه بسنگ غیر معدنی
تیمم توان نمود و اگر خاک ممکن نباشد بغبار جامه و فرش
نیز تیمم توان کرد و الا ببال اسب و نمد زین و اگر بغیر گل

وخاک

وخاک نمدار نباید دست را بر روی آن زده بعد از
آن دست را بر یکدیگر مالیده که آن خشک شده غبار
شود و بان تیمم نماید و تجویز تیمم بتمام اجزاء زمین شده
و در خاکی که ممزوج بکاه شده باشد یعنی کاه کل علما را
در این سه قول است اول آنکه خاک بیشتر و غالب باشد
که تیمم بان مکروه است دویم آنکه هر دو اجزا مساوی باشد
سیم آنکه کاه غالب باشد و در این هر دو اشکال کرده اند والله
الهادی باب دویم در بیان قدری از ثواب و بیان آداب و
کیفیت و واجبات ضروری نماز و تعقیبات ضروریه آن
و از جهت امتیاز بیان هر یک این باب را نیز بسه فصل مفصل

کردانید فصل اول در بیان قدری از ثواب و بیان اداب
نماز اما از بیان ثواب اکتفا بسه حدیث کنیم حدیث اول ان
مبینان احکام دین مبین حضرات ائمه معصومین
صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین منقولست که فرموده اند
که نماز عمود و ستون دین است چنانچه خیمه و خانه بستون
برپاست همچنین تمام احکام دین بنماز برپاست و قوام دین
با اوست که اگر او نباشد کسی را دینش خراب و بی دین است
حدیث دوم نیز هم از ایشان مرویست که اول آخر نماز گذارنده
داده میشود از کرامت سه چیز است اول آنکه ملئکه از
آنجا که نماز میکند دور او را میگیرند تا آسمان دوم

آنکه

آنکه از آسمان باران رحمت نازل میشود تا قدمینش را فرا
میگیرد سیم آنکه ملکی منادی و بزبان حال با او میگوید
که ای بنده اگر بدانی با که سخن میگویی هرگز نخواهی که از نماز
فارغ گردی حدیث سیم هم از آن شافعان شیعیان مأثور
است که یکنماز بهتر از بیست حجت و یک حج بهتر است و ثواب بیش
بیشتر از تصدق نمودن خانه بزرگی است که پر از طلا باشد
و در راه خدا تصدق دهند تا تمام داده شود و در باب ثواب
نماز آنقدر حدیث وارد گشته که احصای آن نتوان کرد
و همین حدیث در باب ثواب نماز بس است که حضرت
امیر المومنین و امام المتقین علیه افضل الصلوة و

والسلام من الله المبین ترجیح داده دو رکعت نماز را
بر دخول بهشت و دیگر آنکه تارک الصلوة مستحل کافر
است بخلاف سایر عبادات و از بیان آداب نیز خوبست
که بحدیث حماد بن عیسی جهنی اکتفا نماییم که ایشان روزی
بخدمت امام بحق ناطق حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام
من الله الخالق آمده حضرت چون او را دیدند پرسیدند
که یا حماد آیا نماز را نیکو میگذاری ایشان عرض نمودند که
یا حضرت فدای تو گردم من حفظ دارم کتاب حریز بن عبدالله
سجستانی که در باب نماز نوشته است آنحضرت فرمودند که اداب
باکی نیست برخیز و دو رکعت نماز کن بعد از آن حماد برخاسته

درخدمت

در خدمت آنحضرت دو رکعت نماز بجا آوردند و
بعد از اتمام آنحضرت نماز او را قبول نفرموده از جهت تنبیه
او فرمودند چه بسیار تعجب است از شما شیعیان که چندین
سال از عمر شما رفته باشد و دو رکعت نماز چنانچه شارع
علیه السلام فرموده بجا نتوانید آورد پس آن بیچاره در نهایت
اندوه و ناله عرض کردند که فدای تو گردم پس چه قسم
نماز گذارم پس آنحضرت جهت تعلیم نماز برخاسته قد
راست نموده رو بقبله بعد از حصول غایت خضوع
و نهایت خشوع دستها را برابر قبله تا مقابل رو برداشته
بحیثیتی که کف دستهای مبارک آنحضرت بقبله بود

والله اکبر فرمودند در نهایت سکون وارام اعضا
که در گفتن الله دست مبارك برداشته شده ودر اکبر
پایین آورده اند ونظر بسجده گاه فرموده در نهایت
ترتیل قراءت حمد وسوره نمودند ودستهای مبارك را
در آنحال بران مقدس گذاشتند وبعد از اتمام نفس
کشیده تکبیر رکوع فرمودند وبرکوع رفته دستهارا
کشاده نموده بطریق لقمه گیرنده برکفهای زانو گذاشتند
وزانوهارا بعقب شکستند وپشت اقامت مآب را چنان
راست گرفتند وگردن مبارکرا کشیده داشتند که
اگر قطره آب یا روغن بر پشت مبارکش میریختند
حرکت

حرکت نمیکرد وبعد از آرام گرفتن سه بار ترتیل
سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ فرمودند بعد از آن
پاکی یاد میکنم پروردگار بزرك را ومشغولم بحمد او سر را برداشته راست
ایستادند وبعد از آرام گرفتن فرمودند
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ وبعد از اتمام از قیام رکوع
شنود خدا از برای کسی که ستایش میکند او را تکبیر فرموده بسجود رفتند
واعضای سجود را که سر وپیشانی وسر بینی وکف
دستها وکف زانوها وسر انگشتان بزرك پاهای مبارك
باشد بر زمین گذاشتند بحیثیتی که سنگینی هر عضوی
بر خودش بود وسنگینی عضوی را بر عضو دیگر نینداخت حتی

بودند و در هر دو حال مجنح بودند یعنی دستهای مبارک
خود را از بدن شریف مثل بال مرغ گشاده داشتند
و بعد از آرام گرفتن در سجود سه مرتبه بترتیل و تانی
تمام فرمودند سُبْحانَ رَبِّیَ الاَعْلی وَبِحَمْدِهِ
او مشغولم برده گا
و بعد از آنکه یال سبد انم از فهم عیبا بلند مرتجد او بنابر
هر سه بار تمام شد سر مقدس را از سجود برداشتند
و بعد از آنکه راست نشستند تکبیر فرموده گفتند
اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَتُوبُ اِلَیْهِ و بعد از آن همان قسم
طلب امر تن سلیم حفا او باز کنت مکیم بسوی او
نشسته تکبیر سجدهٔ دویم را فرمودند و سجدهٔ دویم
رفتند و فرمودند آنچه در سجدهٔ اولی فرموده بودند

وبعد

و بعد از اتمام ذکر سجود سر از سجدهٔ ثانیه برداشتند
و بعد از نشستن تکبیر فرمودند و بعد از آن فرمودند
بِحَوْلِ اللهِ وَقُوَّتِهِ اَقُومُ وَاَقْعُدُ و برخاستند
برکعت دویم و در رکعت دویم قراءت حمد و سوره
فرمودند چنانچه در رکعت اولی و بعد از اتمام قراءت
و نفس کشیدن تکبیر قنوت فرمودند و دستهای
مبارک را برابر روی مقدس گرفته قنوت خواندند
و بعد از اتمام قنوت تکبیر رکوع فرمودند و مثل
رکعت اولی رکوع و سجود بجای آوردند و بعد از اتمام
سجدتین متورک نشستند یعنی بطرف راست نشسته

چیط

شکم پای چپ را بر پشت پای راست گذاشتند که
اشاره باین باشد که خداوندا حق را بلند گردان
و باطل را پست کن و بعد از ان حضرت صلوات الله
وسلامه علیه تشهد خواندند و بعد از اتمام
تشهد سلام فرمودند و بعد از سلام سه تکبیر
گفتند و بعد از ان سر مبارک را بجانب حماد بر داشته
فرمودند که یا حماد چنین نماز بگذار اما آداب نظر بد با
که در وقت قراءت بموضع سجود باشد و در حین
رکوع بمابین قدمین و در حال سجود بطرف بینی و
در قنوت بکف دستها و در تشهد و سلام بحوالی

زانوها

زانوها از اطراف خود و در حدیث دیگر مذکور است
که در رکوع و سجود چشم را پوشیده دارد و علما از جهت
جمع میان این دو حدیث فرموده اند که هر کدام که خاطر
جمع میشده باشد بان عمل نماید و اما آداب دستها
و انگشتان آنکه در تکبیرات کف دستها بقبله باشد
و انگشتان بهم چسپیده حال ایستادن بر رانها گذاشته
انگشتان را بهم ضم کند و در رکوع کف دست را بر کفه
زانو نهاده انگشتان را گشاده دارد و در سجود برابر رو
بحیثیتی که سر انگشتان هم بقبله باشد مضموما و نصف
دایره از سر انگشتان و مهر نماز بهم رسد و در تشهد بر سر رانها

بازسر انکشتان بقبله و اما اداب پایها باید که در وقت
ایستادن لااقل بقدر چهار انکشت کشاده از یکدیکر
دور دارد که سر انکشتان بقبله باشد و دستها در وقت
نشستن باید پیش از زانوها بزمین رسد و در وقت
برخواستن بعکس و اما اداب زنان پس باید که اولا سر و کردن
و موی سر را پوشیده دارند و در وقت ایستادن میان
پاهای ایشان بهم چسبیده باشد و در حال قراءت دستها را
بر روی پستانها کذارند و در حین رکوع بر سر زانوها برابر زانوها
که دستهای آنها ایشان بزانوها نرسد و در اثنای سجود
رفتن اول زانوها را بزمین کذارند و در حالت سجده ذراعین

را بر

را بر زمین کذارند و بسیار دو تر نشوند و در حال برخوا ستن
اول دستها را بردارند و در بلند خواندن واذان واقامه
کفتن بتاکید مردان بر ایشان واجب نیست ومشروط بعدم
سماع اجنبی است و اولی سقوط وجوب جهر است مطلقا
والله الهادی الی سواء الطریق وصل وقیم در بیان کیفیت
و واجبات ضروری نماز باید دانست که مسایل نماز بسیار است
چنانچه در حدیثی حضرت امام رضا علیه و علی ابائه
الکرام افضل التحیة والثناء فرماید که مسایل نماز
چهار هزار مسئله است یعنی هر دو رکعت نماز که شخصی کند
این چهار هزار مسئله را باید بعمل آورد که هزار مسئله آن

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

واجب و سه هزار دیگر سنت و از آن جمله پاره در مقدمات
نماز باید بعمل آید و تتمه در مقارنات و تمامی اینها را
اگر کسی مجتهد نباشد باید که از مجتهد حی جامع الشرایط
شنود هر چند که بجند تن واسطه باشد با عدالت ظاهری
ایشان غیر دو مسئله که تحقیق آنها واجب عینی است بر هر یک
از افراد مکلفین و آن وقت است و قبله که هر یک از مصلین
خاطر خود را باید جمع نماید و تقلید در اینها نباید باشد
و حدیثی از حضرت صادق صلوات الله و سلامه علیه مرویست
که آنحضرت فرموده نماز قضا شود بهتر است که در وقتی کرده
شود که شک داشته باشند در دخول وقت و جاهل مسئله

در تمام این مسایل معذور نیست که من این را شنیده بودم
و تا حال چنین نمیکردم مگر در دو مسئله که یکی قصر و اتمام
است و دیگر جهر و اخفات که واجب است بلند خواندن در سه
نماز صبح و شام و خفتن در دو رکعت اولشان و در باقی
آهسته و اگر کسی باینها جاهل باشد و همچنین در قصر کردن
در سفر یا در وطن هر گاه نشنیده و تمام کند معذور است
حاصل اینکه تمام این مسایل همه در نماز بعمل باید
بتفصیل ندانسته باشد اما هر گاه دو رکعت نماز نزد
مجتهد یا عالمی که از مجتهد شنیده بجای آورد که آن حکم
بصحتش نماید چنانچه حضرت صادق عم تجاد فرموده کافی

است مراو ... پس بعد از خاطر جمع نمودن از اداب خلوت و
بجا آوردن اقسام ضروری طهارت و یقین حاصل کردن
از قبله و وقت و همچنین از مکان و لباس و ستر عورت
باید که متوجه نماز شود و چون از حضرت صادق ابن امام
بحق ناطق علیه الصلوة والسلام منقولست که آنحضرت
فرموده که هر که دو رکعت نماز کند و داند که در آنچه میگوید
چون فارغ شود میان او و خداوندش هیچ گناه نماند یعنی
جمیع گناهانش باین سبب آمرزیده شود پس ما خواستیم
هر کس این عطیه عظمی را ادراک کند از آنجهت تصویر دو رکعت
نماز مترجم را بنحوی که ترجمه هریک از الفاظ نیز در تحت آن

بنوشته

شود تا درک آن آسان کرده اما کیفیت اذان پس
باید که اولا ایستاده و سبابتین را در سوراخ گوش
گذاشته اذان گوید باین اَللّٰهُ اَکْبَرُ چهار بار
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ خدا بزرگتر از آنست که وصف کرده شود
گواهی میدهم اینکه نیست معبودی بجز خدای عالم دو بار اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللّٰهِ
دو بار حَیَّ عَلَی الصَّلٰوة گواهی میدهم اینکه محمد پیغمبر و فرستاده خداست
بشتاب از برای نماز دو بار حَیَّ عَلٰی خیر العمل الفلاح
دو بار حَیَّ عَلٰی خَیْرِ الْعَمَلِ بشتاب بر رستگاری
بشتاب بر بهترین عملها دو بار اَللّٰهُ اَکْبَرُ نیز دو بار
خدا بزرگتر از آنست که بوصف در آید

لا اله الا الله ایضا دو بار و چون در حدیث وارد
نیست معبودی بغیر خدا است که در میان اذان واقامه دعا مستحب است
چنانچه گذشت پس این دعاء جلیل القدر بخواند
اللهم اجعل قلبی بارًّا و رزقی دارًّا و عینی
بار خدایا بگردان دل مرا نیکوکار و روزی مرا صاحب برکت و
قارًّا و عملی سارًّا و اولادی ابرارًا واجعل
برقرار و عملهای مرا ... و فرزندان مرا نیکوکردار و بگردان
لی عند قبر نبیک محمد صلی الله علیه وآله
برای من نزد قبر پیغمبر تو محمد صلعم که رحمت خدای بر او باد و بر آلش
مستقرًّا و قرارًا برحمتک یا ارحم الراحمین
در آخرت مستقری و در دنیا قرارگاهی برحمت که ای ارحم الراحمین

بعد

بعد از آن برخواسته اقامه گوید بطریق اذان
فاما در اول تکبیر را دو بار بگوید و بعد از حی
علی خیر العمل دو مرتبه قد قامت الصلوة
بگوید و بهتر آنست که در بتحقیق که آمد وقت نماز برپا
آخر اقامه نیز لا اله الا الله دو بار بگوید فاما
بقصد اینکه ذکر است و قصوری ندارد نه بقصد
اینکه داخل در فصول اقامه است و همچنین گفتن
اشهد ان علیا ولی الله در هر دو واما چون در
گواهی میدهم که علی ولی خدا است
احادیث بسیار وارد شده که هر وقت اسم شریف
حضرت پیغمبر را بشنود واجبست که صلوات بر او

فرستد در هر حال که باشد پس اگر بعد از اَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّٰهِ بگوید صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
وَوَصِیَّهُ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّٰهِ بسیار
بهتر است بعد از آن شروع کند بدعاهایی که در بین
و ما بین شش تکبیر که در اول پنج نماز هست است
و ثواب بسیار دارد و اگر در تکبیر نماز چیزی فوت شود
اینها قائم مقام آنها میشوند بعد از آن استغفار
بسیار کند و از جهت حصول نیت مستحضر این معنی
شود که فلان نماز میکنم ادا واجب را برای خدا
و مقارن همین قصد تکبیرة الاحرام بگوید که آن الله

اکبر

اکبر است بنحوی که دستها تا مقابل رو و در گفتن الله
برسد و در گفتن اَکْبَرُ همچنان کف دستها رو بقبله
پایین آید و بعد از تکبیر در دل خود آهسته بگوید
اَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ بعد از آن
پناه میبرم بخدا از شیطان دور از رحمت
بلند در هر نماز که باشد بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان
بعد از بسم الله اگر نماز صبح باشد همه را بلند
قراءت کند که هر کس در پهلوی او باشد بشنود

و همچنین در دو رکعت اول مغرب و نیز در
دو رکعت اول عشا و در غیر اینها واجب است
آهسته خواندن که خود شنود چنانچه پیش از
این مذکور شد بعد از ان سوره مبارکه الحمد را
بیرون
شروع نموده بترتیل که تمامی حروف از مخرج خودش
آورد و رعایت وقوف نیز نماید و الا نماز باطل است
الحمد لله رب العالمین الرحمن الرحیم
تمام شکرها از برای خدا که پروردگار عالمیانست و بخشاینده و مهربانست
مالک یوم الدین ایاک نعبد و ایاک
و صاحب روز جزاست ترا پرستش میکنیم و از تو

نستعین

نستعین اهدنا الصراط المستقیم
یاری میجوییم و بس بنما و هدایت کن ما را راه راست که [illegible] امیر المؤمنین عم است
صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب
راه کسانی که تو انعام کرده بر ایشان نه راه آنانی که غضب کرده شده است
علیهم و لا الضالین بعد از ان قصد
بر ایشان و نه راه گمراهان سوره معینه
نموده بسم الله سوره را همان قصد بگوید و این
واجبست که اگر بی قصد بسم الله را گفته باشد
و اگر همه سوره را نیز بی قصد خوانده باشد باید که
همان سوره را یکبار دیگر بعد از قصد اعاده کند

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

و بهتر است که در رکعت اول بعد از حمد سوره
انا انزلناه بخواند و در دوم توحید چنانچه حضرت
امام رضا علیه التحیة والثنا میکرده اند و ثواب همیشه
بیشمار دارد و بهترین سورهای قرآنند در هر دو
بسم الله الرحمن الرحیم انا انزلناه فی
بنام خدای بخشاینده مهربان بدرستیکه ما فرو فرستادیم قرآن را در
لیلة القدر وما ادریک ما لیلة القدر
شب قدر و چه میدانی ای محمد که چیست شب قدر
لیلة القدر خیر من الف شهر تنزل
این شب قدر بهتر است از هزار ماه پادشاهی بنی امیه فرود می آیند

الملا

الملائکة والروح فیها باذن
تمام ملائکه و روح الامین در آن شب با امر
ربهم من کل امر سلام هی حتی
پروردگار خود و از هر امری که واقع میشود و سلامتست آن شب تا وقتی که
مطلع الفجر و بعد از اتمام نفسی کشیده
طلوع صبح آن شب تکبیر گفته برکوع رود چنانچه گذشت
و بعد از آن آرام گرفته سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید
سبحان ربی العظیم وبحمده و بعد از
منزه هست پروردگار بلند مرتبه من و بستایش او مشغولیم
اتمام سر برداشته بعد آرام بگوید

سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ
بشنود خدا دعای کسی که شکر می کند و حمد مر خدایراست که پروردگار
الْعَالَمِينَ وبعد ازان بطریق مذکور تکبیر
عالمیانست گفته بسجود رود و اعضاء [illegible]
مذکور بر زمین گذارد و بعدد مذکور در رکوع بگوید
سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلٰى وَبِحَمْدِهِ وبعد از
منزه و پاکست پروردگار بلند بر ترمن و مر حمد او میکنم اتمام آن
سر برداشته متورک نشیند که شکم پای
چپ بر پشت پای راست باشد و بعد از درست
نشستن تکبیر گوید و بعد ازان بگوید

استغفر

أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ وبعد ازان تکبیر گفته
طلب مغفرت میکنم خدایرا و رجوع میکنم بسوی او باز بسجود رفته بهمان طریق
ذکر را بعدد مذکور بگوید و بعد از اتمام سر برداشته
تکبیر گوید و بعد از اندک نشستن و استراحت جهت
رکعت دویم برخاسته بِحَوْلِ اللّٰهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ
بگوید و بعد از راست بگردانیدن خدا و یاری او برمیخیزم و می نشینم
ایستادن بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ را بلند گفته
حمد را بترتیل بخواند و بعد ازان قصد سوره توحید کرده بگوید
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللّٰهُ أَحَدٌ اللّٰهُ الصَّمَدُ
بنام خدای بخشاینده مهربان بگو ای محمد که آن خدا یکتاست و اعتماد مردم براوست

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ

نمی‌زاید و زاییده نشده و بی‌مثل است و نیست از برای او همتا کسی

وبعد از اتمام دو مرتبه آهسته بگوید کذلک الله

رَبّی بعد از آن تکبیر قنوت گوید همچنین است پروردگار من

و صاحب صفاتش و دستها را برای قنوت خواندن بردارد و

مبادا کذلک الله ربّی را داخل قنوت گرداند و بعد

از برداشتن دستها بگوید زیرا که قنوت می‌باید

دعا باشد ولیکن این داخل دعا نیست و مخصوص

بعقب سورهٔ توحید است که نسبت به پروردگار عالم

است و ادعیهٔ قنوت بسیار و از حد بیشمار است و همین و اما

دعا اینکه کافیست سُبْحَانَ مَنْ دَانَتْ لَهُ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ

منزّه آنکه خضوع و فروتنی کرده‌اند مر او را آسمانها و زمینها و جمیع

بِالْعُبُودِيَّةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ

به بندگی و آن خداست بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و تعجیل فرما

فَرَجَهُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ

فرج آل محمد را بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد خدایا

اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا

بیامرز ما را و رحمت کن ما را و عافیت ده و درگذر از ما هم در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ

و هم در آخرت بدرستی که تو بر هر چیز توانایی و رحمت فرستد خدا

وَبِهِ الطَّاهِرِینَ مَاشَاءَ اللهُ لَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِیِّ

و الاوکه با کا آنچه خدا خواهد میشود و نیست قوت برطاعت مگر بخدای بلند مرتبه

الْعَظِیمِ وبعد از آن چنان ایستاده تکبیر رکوع گفته

عظیم برکوع رود وبعد از سر برداشتن وسمع

الله گفتن تکبیر سجود گوید وچنانچه گذشت همه را بجای

آورد وبعد از اتمام سجدتین متورکا نشسته تشهد

خواند باین دستور که در حدیث وارد است

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَخَیْرُ الْاَسْمَاءِ

بنام خدا وبیاری خدا وجمیع ستایش از برای خداست وبهترین اسمها مر

لِلّٰهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَاشَرِیكَ

خدا راست وگواهی میدهم که نیست معبودی بغیر از خدا که یکتاست

لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ

نیست شریکی از برای او وگواهی میدهم اینکه محمد بنده او وفرستاده اوست خداوندا رحمت

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِی اُمَّتِهِ

کن بر محمد وآل محمد وقبول کن شفاعت او را در حق امت او

وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَقَرِّبْ وَسِیلَتَهُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ

وبلند کردان درجه او را ونزدیک کردان منزلت او را وشکر مر خدای راست که

رَبِّ الْعَالَمِینَ بعد از آن اگر دو رکعتی باشد سلام

پروردگار عالمیانست دهد واگر سه رکعتی یا چهار رکعتی

باشد برخاسته باقی را الحمد تنها یا به تسبیحات اربع

وانیز ابمقتضای فرموده حضرت صاحب الامر

علیه السلام علما ترجیح داده اند بر حمد تنها و آن اینست
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لله وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاللهُ
منزه است خدا و شکر مر او راست و نیست معبودی بغیر او و خدا بزرگتر است از
اَکبَرُ یکبار با استغفار و حدیثی دیگر سه بار
آنست که
[illegible] و الله اکبر که نه تسبیح باشد و حدیث
دیگر ده تسبیح که مرتبه سیم با الله اکبر است و بهر کدام
عمل نماید نمازش صحیح و درست است و بعد از
اتمام یکرکعت یا دو رکعت دیگر متورک نشسته
باز همان تشهد را خوانده بعد از اتمام سلام دهد
و باید که در سلام قصد وجوب و خروج از نماز
کند

کند که باین سلام نماز تمام شد و چون سه سلام و
زیاده تا هفت نیز سنت است امّا اگر اوّلا بگوید
السَّلامُ عَلَینا وَعَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحِین
سلام بر ما باد و بر بندگان صالح خدای تعالی
بقصد خروج و وجوب و بعد از آن هر چه از سلامها
که خواهد بگوید امّا بقصد تعقیب و استحباب اولی
و انسب است و اگر سه سلام دهد چنانچه مشهور است
سلام اول را بقبله بحضرت پیغمبر که اسم شریفش مذکور شده باین
که السَّلامُ عَلَیکَ اَیُّها النَّبِیُّ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُه
درود بی نهایت بر تو باد ای پیغمبر و بلند گرداننده و رحمت خدا بر تو باد و برکتهای او

وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ كه قصد دوازده
و باهل خانه تو که ایشان پاکان از هر عیب‌اند امام نیز که برگزیدگان
حضرت علام‌اند کند و سلام دوم السَّلَامُ عَلَيْنَا
وَعَلَى عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِينَ که گذشت قصد کند
کسی یا چیزی را که در پهلوی چپش باشد و قصد
خروج و وجوب کند و سلام سیم بگوشه چشم راست
که السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ قصد
درود بر شما جمیعا باد و رحمت خدا و برکتهای او
تعقیب نماز کند و تمام انبیا و ملائکه و ائمه
هدی و بندگان صالح خدا را نیز قصد کند بهتر است

والسلم

والسلام علی من اتبع الهدی فصل سیم در تعقیبات
ضروریه نماز و از تعقیبات نماز آنقدر وارد شده
که اگر کسی جمع نماید چندین جلد کتاب میشود
پس ما باید که انتخاب نموده آنچه مختصر و ثوابش بیشتر
و منافعش زیاده از حد و حصر باشد بیان کنیم تا
همه کس را رغبت حاصل گشته ملال بهم نرسانند و چون
تعقیبات بر دو قسم است عامه مطلقه که در تعقیب هر
نماز میشاید خواند و مخصوصه که در عقب یکی از پنجگانه
خوانده میشود چون در رساله که بیست سال قبل از
این نوشته و بتحفة الاخوان موسوم ساخته از مجموع

در اینجا انتخابی نموده ومنظور در این رساله اختصار
بود بر تعقیبات عامه اقتصار نمود وچون این تعقیبات بر دو
قسم میشود یکی آنکه مخصوص بصبح وشام و دیگری
اختصاص بتمام ندارد لهذا در دو مقصد آنها را
بیان نمود **مقصد اول** در تعقیبات عامه هر پنج نماز
در احادیث وارد گشته که هر کس ادای فریضه نموده
آنرا اینجا آورد مراو را دعای مستجابی خواهد بود پس
باید که بعد از تکبیرات اسلام دستها را باسمان بر دارد
و اگر دستها را از سر خود بگذرانید که اصل اخم در
بازوهای او نماند که آنرا ابتهال گویند بهتر است

وبگوید

وبگوید کلماتیرا که جناب مستطاب مصطفوی
صلی الله علیه واله بابی شیبه هذلی که مرد بسیار
پیری بود بخدمت آنحضرت استدعا نمود که مرد پیری
شده و از طاعات وعبادات باز مانده ام تعلیم
فرما دعائی که نافع باشد مرد نیا و آخرت را و مختصر
باشد که هر وقت آنرا بگویم ان تو آنها را ادراک نمایم
حضرت باو فرمودند که اعاده نما که هیچ سنگی و کلوخی
و چوبی در حوالی تو نماند مگر اینکه همه بر عجز تو گریه کنند در عقب
اللّٰهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ
خداوندا هدایت کن مرا از نزد خودت و فرو ریز بر من از

هر نفس دستها را بر دارد انشا الله تعالی کرده

فضلك وانشر علىّ من رحمتك وانزل

فضل خودت وپهن کن بر من از رحمت خودت وفرود آور

علىّ من بركاتك سبحانك لا اله الا انت

بر من از برکتهای خودت تسبیح میکنم ترا نیست خدایی مگر تو

اغفر لنا ذنوبنا كلها فانه لا يغفر

بیامرز برای ما گناهان ما را تمام آنها پس بدرستی که نمی آمرزد

الذنوب كلها الا انت بعد ازان اسم عظیم ای بسیار دارد

گناهان را تمام آنها هم مگر تو الشاه جلیل القدر بخواند که نفع

اللهم انى اسئلك من كل خير احاط به

خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا از هر خیری که فرو گرفته است آن را

علمك

علمك واعوذ بك من كل شر احاط به

علم تو و پناه می آورم بتو از هر شری که فرو گرفته آنرا

علمك اللهم انى اسئلك عافيتك فى جميع

علم تو خداوندا بدرستی که سوال میکنم ترا عافیت تو در همه

اموری كلها واعوذ بك من خزى الدنيا

کارهای من تمام آنها و پناه می آورم بتو از رسوایی دنیا

وعذاب الاخرة واهوال يوم القيمة برحمتك

وعذاب آخرت وهولهای روز قیامت برحمت خودت

يا ارحم الراحمين دیگر از جناب امامت آیه

ای رحم کننده ترین رحم کنندگان حضرت ابو تراب علیه افضل

الصلوة والسلام مرویست که خداوند عالم جهار
چیز را گوش شنوا داده که هر کس ایشانرا از خداوند
عالم خواهد ایشان شنوند و از جهت دعای او آمین
گویند عافیت و جنت و نار و حور العین پس باید که یکی
از شماها که از نماز فارغ شود این دعا بخواند
اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ الْعَافِيَةَ وَاَسْتَجِيْرُ بِكَ
خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا عافیت را و زینهار میجویم بتو
مِنَ النَّارِ وَاَسْئَلُكَ الْجَنَّةَ وَالتَّزْوِيْجَ بِالْحُوْرِ
از آتش و سؤال میکنم از تو بهشت را و جفت کردن بحور بار گشاده
الْعِيْنِ بعد از آن از جهت ادای دیون و قضای
چشم

حوایج

حوایج بخواند دعا بیرا که حضرت پیغمبر صلی الله
علیه و آله فرموده که در عقب هر فریضه باید خوانده شود
تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِيْ لَا يَمُوْتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
اعتماد و توکل کردم بر زنده دائمی که نمی‌میرد و سپاس ثنا مر خدای را بسبب
الَّذِيْ لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي
که فرا نگرفته است فرزندی و نیست از برای او شریکی در
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ
پادشاهی و نیست از برای او دوستی از خواری و تعظیم کن او را
تَكْبِيْرًا بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه زهرا
تعظیم کردنی
صلوات الله و سلامه علیها که حضرت پیغمبر

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
باهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

از جهت خوبی و ثواب که دیگر ذکری باین نمیرسد
و آیهٔ کریمهٔ یا ایها الذین آمنوا اذکروا الله ذکراً
کثیراً که ظاهر معنی آن الله تعالی اینست که ای جماعتی که
ایمان آورده اید یاد آورید و ذکر خدا کنید ذکر بسیاری همین
بتسبیح فاطمه علیها السلام تفسیر شده کنید و در حدیث
صحیح حضرت امام محمد باقر صلوات الله وسلامه علیه فرموده
که تسبیح فاطمهٔ زهرا صلوات الله علیها در عقب هر فریضه بهتر
است در نزد خدا از هزار رکعت نماز نافله و احادیث
در باب کثرت ثواب این بسیار است و آن سی و چهار الله اکبر
است و سی و سه الحمد لله و سی و سه سبحان الله و در حدیث

کثرت

و له

و در حدیث معتبر دیگر وارد که حضرت صادق صلوات
الله وسلامه علیه فرموده که هر که بعد از تمام تسبیح
زهرا علیها السلام بگوید لا اله الا الله البته جمیع
گناهان او آمرزیده شود و هیچ گناه بر او نماند بیش
از آنکه پاهای خود را جفت کند و شرط این آنست که
که هنوز پاها را جفت ننموده این را بگوید اگرچه در مطلق
تعقیبات شرط است اگرچه در نماز شرط است از طهارت
و رو بقبله بودن و حرف نزدن و متوجه چیزی دیگر
نشدن و توجه تمام و ادای حروف از مخارج و غیرها
و از حضرت یحیی ناطق جعفر بن محمد الصادق علیهم

مرویست که هرکه بگوید در عقب هر فریضه پیش از آنکه
پاها را جفت کند ده مرتبه اشهد ان لا اله الا الله
گواهی میدهم که نیست خدایی مگر خدا
وحده لا شریک له الها واحدا احدا فردا صمدا
تنهاست انبازی برای او نیست خداییست یکتای یگانه تنهای بی نیاز
لم یتخذ صاحبة ولا ولدا بنویسد خداوند عالم برای
که فرا نگرفته زنی و نه فرزندی وی چهل حسنه و محو فرماید
از نامهٔ عمل او چهل و پنجهزار گناه و سیئه و بلند گرداند
از جهت وی چهل و پنجهزار درجه و خواهد بود در ثواب
مثل کسیکه در یک روز ختم قران کرده دوازده مرتبه و

و پنجهزار

بنا

بنا کند برای او خانه در بهشت و همچنین در حدیث
معتبر از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که هرکه در عقب
هر فریضه پیش از جفت نمودن پاها سه بار بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو
طلب آمرزش میکنم از خدایی که نیست خدایی مگر او که همیشه زنده و بخود برپاست صاحب
الجلال والاکرام واتوب الیه خداوند عالمیان
بزرگی و گرامی داشتن و بازگشت میکنم بسوی اوست جمیع گناهان اورا
بیامرزد هرچند مثل کف دریاها باشد دعای
دیگر از حضرت امیر المؤمنین و سید الوصیین صلوات
الله وسلامه علیه مرویست که هرکه اینرا دعای حضرت

را عقب هر فریضه بخواند البته خداوند عالم گناهان
او را بیامرزد هر چند بعدد ستارگان آسمانها باشد و
قطرات باران و ریگ بیابان و عدد وزن خاک زمین
دعا اینست یا مَنْ لا یَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ یا مَنْ
ای آنکه مشغول نمی گرداند او را شنیدنی از شنیدنی ای آنکه
لا تُغَلِّطُهُ السّائِلُونَ یا مَنْ لا یُبْرِمُهُ اِلْحاحُ
بغلط نمی اندازد او را سؤال کنندگان و ای آنکسیکه بملال نمی اندازد او را الحاح
المُلِحّینَ اَذِقْنی بَرْدَ عَفْوِکَ وَ مَغْفِرَتِکَ و
الحاح کنندگان بچشان مرا سردی عفو خودت و آمرزش خودت
مرویست که حضرت سید النبیین صلی الله علیه و اله

در شب معراج ملکی در آسمان دیدند که هزار هزار سر
دارد و در هر سری هزار هزار زبان و بهر زبانی تسبیح
خدا کند بهزار هزار لغت روزی از خداوند عالم سؤال
نمود که آیا در بندگان کسی هست که عبادتش بقدر عبادت
من باشد پس خداوند سبحانه وحی فرمود که مرا در روی
زمین بنده ایست که ثوابش عظیم و تسبیحش بیشتر از تسبیح
تو است پس آن ملک اذن طلبید که بزیارت آن بنده رود بعد
از او نشنیده
از حصول اذن سه روز نزد او بوده غیر اینکه عادت عقب فریضه
سُبْحانَ اللهِ کُلَّما سَبَّحَ اللهَ شَیْءٌ وَکَما یُحِبُّ
تسبیح میکنم تسبیح خدا را چنانکه تسبیح کنند خدا را هر چیز و چنانکه دوست میدارد

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

الله ان یسبح وکما هو اهله وکما ینبغی

خدا که تسبیح کرده شود وچنانکه او سزاوار آنست وچنانکه سزاوار است

لکرم وجهه وعز جلاله والحمد لله کلما

از برای گرامی ذات او وغلبه بزرگی او وسپاس مر خدا را چنانکه

حمد الله شیء وکما یحب الله ان یحمد و

حمد کند خدا را چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا که حمد کرده شود و

کما هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز

وچنانکه او سزاوار است وچنانکه سزاوار است از برای گرامی ذات او وغلبه

جلاله ولا اله الا الله کلما هلل الله

بزرگی او ونیست خدائی مگر خدا چنانکه تهلیل کند خدا را

شیء

شیء وکما یحب الله ان یهلل وکما

چیزی وچنانکه دوست میدارد خدا اینکه تهلیل کرده شود وچنانکه

هو اهله وکما ینبغی لکرم وجهه وعز

او سزاوار آنست وچنانکه سزاوار است از برای گرامی ذات او وغلبه

جلاله والله اکبر کلما کبر الله شیء

بزرگی او وخدا بزرگتر است چندانکه تکبیر کند خدا را چیزی

وکما یحب الله ان یکبر وکما هو اهله وکما

وچنانکه دوست میدارد خدا که تکبیر کرده شود وچنانکه او سزاوار آنست وچنانکه

ینبغی لکرم وجهه وعز جلاله وسبحان الله

سزاوار است از برای گرامی ذات او وغلبه بزرگی او وتسبیح کنیم تسبیح خدا

والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر على
وسپاس از برای خداست ونیست خدایی مگر خدا وخدا بزرگتر است بر
عدد كل نعمة انعم بها علي وعلى كل
شمارهٔ هر نعمتی که انعام کرده است آن بر من و بر هر
احد من خلقه ممن كان او يكون
کسی از آفرینندگان او از آنکه بوده است یا خواهد بود
الى يوم القيمة اللهم اني اسئلك ان
تا روز قیامت خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا اینکه
تصلي على محمد وال محمد واسئلك خير ما
رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و سؤال میکنم ترا بهترین آنچه

ارجو

ارجو وخير ما لا ارجو واعوذ بك من
امید دارم و بهترین آنچه امید ندارم و پناه میبرم بتو از
شر ما احذر ومن شر ما لا احذر
شر آنچه از آن اندیشه میکنم و از شر آنچه از آن اندیشه نمیکنم
وصلى الله على محمد واله واز حضرت صادق ع
و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او منقولست که
هر که در عقب هر فریضه سه بار بگوید
يا من يفعل ما يشاء ولا يفعل ما يشاء غيره
ای آنکسیکه میکند آنچه را میخواهد و نمیکند آنچه را میخواهد غیر او
هرچه از حوائج که از خدا طلبد روا گردیده

باو عطا فرماید پس باید که بعد از سه مرتبه خواندن بگوید
صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِی مَا أَنْتَ
رحمت بفرست بر محمد و آل او و بکن بمن آنچه تو
أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلْ بِی مَا أَنَا أَهْلُهُ و بعد از
سزاوار آنی و مکن بمن آنچه من سزاوار آنم این هر مطلب
که دارد بخواهد که البته روا گردد و همچنین
از حضرت امیر المؤمنین و سید الوصیین علیه
الصلوة والسلام مرویست که هر که
این دعا در عقب صلوات سیما در صبح
از او فوت شود بترسد از فوات روزی

الحمد

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی عَرَّفَنِی نَفْسَهُ وَلَمْ
سپاس مر خدای را آن خدائی که خود را بمن شناسانید و نه
یَتْرُکْنِی عُمْیَانَ الْقَلْبِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
گذاشت مرا کور دل سپاس مر خدای راست آن خدائی
جَعَلَنِی مِنْ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَ
گردانید مرا از امت محمد رحمت فرستد خدا بر او و
آلِهِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی جَعَلَ رِزْقِی فِی
آل او سپاس مر خدای راست آن خدائی که گردانید روزی مرا در
یَدِهِ وَلَمْ یَجْعَلْهُ فِی أَیْدِی النَّاسِ الْحَمْدُ
دست خود و نگردانید آنرا در دست مردمان سپاس

لله الذی ستر عورتی ولم یفضحنی بین

مر خدایرا الحمد که بپوشانید عورت مرا و رسوا نکرد اندر میان

الناس بعد ازان اینده عای عظیم الشان که

مردمان دخل عظیم دارد بخواند

اللهم انی اسئلک من فضلک الواسع

خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنیم ترا از فضل خود که فراخ است

الحلال الطیب رزقا واسعا حلالا طیبا

و حلال و پاکیزه روزی که کشاده باشد حلال پاکیزه فراخ

بلاغا للدنیا والاخرة صبا صبا هنیئا

کفایتی از برای دنیا و آخرت فرو ریختنی فرو ریختنی مهیاه

جهت افزونی روزی

مرئیا

مریئا من غیر کد ولا من من احد

وگوارا از غیر مشقتی و نه منتی از کسی

من خلقک الا سعة من فضلک فانک

از آفریده تو مگر فراخی از فضل و بخشش خود پس بدرستیکه تو

قلت واسئلوا الله من فضله فمن

گفته و بخواهید خدایرا از بخشش او پس از

فضلک اسئل ومن عطیتک اسئل

بخشش تو سؤال میکنیم و از عطای تو سؤال میکنیم

ومن یدک الملاء اسئل دعای دیگر از

و از دست تو که پر است سؤال میکنیم از حضرت رسول

صلی الله علیه و آله منقولست که هر که در عقب هر نماز
سُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا اِلهَ اِلّا اللهُ
تسبیح میکنم بتسبیح خدا و سپاس از برای خداست و نیست خدایی مگر خدا
وَاللهُ اَکبَرُ راسی بار بگوید خداوند عالم
وصف کرده شود
و خدا بزرگتر است که محافظت فرماید او را از حرق
و غرق و افتادن ... و از شر درندگان و مردم
بد و از هر بلایی که بر بنده نازل شود در آن روز
دعای دیگر از حضرت امام جعفر بن محمد صلوات
الله و سلامه علیهما مرویست که هر که
نشان
خواهد که خود و اهل و اولاد و برادران و خو

واموال

واموال ایشان همگی در حفظ و امان حق
تعالی باشد باید که در عقب هر فریضه بگوید
أُعیذُ نَفسی وَدینی وَاَهلی وَمالی وَوَلَدی
خود را
پناه میدهم نفس خود را و دین خود را و اهل خود را و مال خود را و فرزند
وَاِخوانی فی دینی وَما رَزَقَنی رَبّی وَخوا تیم
کار خود را
و برادران خود در دین من و آنچه را روزی کرده است مرا پروردگار و عاقبت
عَمَلی وَمَن یَعنینی اَمرُهُ بِاللهِ الاَحَدِ الصَّمَدِ
کار مرا و کسی را که اهتمام دارم در باره امر آن بخدا که یکتا و بی نیاز است
اَلَّذی لَم یَلِد وَلَم یولَد وَلَم یَکُن لَهُ
آن خدایی که نزاییده و زاییده نشده و نمیباشد از برای او

كُفُواً اَحَدٌ وَبِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَمِنْ
همتاكسى وبه پروردگار صبح از شرّ انچه آفريده واز
شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ
شرّ بسيار تاريك هرگاه داخل شود وازشرّ زنان باد دمنده
فِي الْعُقَدِ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ وَ
در گرهها وازشرّ حسودى هرگاه حسد برد و
بِرَبِّ النَّاسِ مَلِكِ النَّاسِ اِلٰهِ النَّاسِ مِنْ
پروردگار آدميان پادشاه آدميان معبود آدميان از
شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي
شرّ وسوسه تاخركننده آنكه وسوسه ميكند در

صُدُورِ النَّاسِ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ونيز از
سينهاى مردم از جنيان وآدميان آسروردر
حديث معتبر وارد گشته كه هر كس خواهد القدر تعقيب
وزنكانى كند كه از درازى عمر بر تنك آيد بايد كه در عقب هر فريضه
آيه را بخواند اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ اللّٰهُمَّ
خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد خداوندا
اِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ الْمُصَدَّقَ الْاَمِيْنَ
بدرستى كه فرستاده تو راست گو وتصديق كرده شده واستوار
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ قَالَ اِنَّكَ قُلْتَ مَا
رحمت فرستد خدا براو وآل او باد گفت بدرستى كه تو گفته كه

تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ اَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدُّدِي فِي

تردد نکرده ام در چیزی که من کننده آن باشم مثل تردد من در

قَبْضِ رُوحِ عَبْدِيَ الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ

قبض روح بنده خودم که مؤمن است ناخوش میدارد مرک را

وَاَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ

و ناخوش میدارم ناخوشی او را پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و

عَجِّلْ لِوَلِيِّكَ الْحُجَّةِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَرَجَ

تعجیل کن از برای دوست خود که حجت است بر او باد سلام کشایش

وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصْرَ وَلَا تَسُؤْنِي فِي نَفْسِي

و عافیت و یاری را و ناخوش مساز مرا در نفس من

وَلَا فِي اَحَدٍ مِنْ اَحِبَّتِي اِنَّكَ عَلَى كُلِّ

و نه در کسی از دوستان من بدرستی تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ وَاز حضرت امیر المؤمنین و امام

چیز توانائی المتقین صلوات الله و سلامه علیه

مرویست که هر کس خواسته باشد که از دنیا بیرون رود

و چون طلای خالص باشد و در روز قیامت هیچ کس

مطالبه مظلمه از او نکند باید که در عقب هر نماز پنج ???

بخواند دوازده بار و بعد از آن دستها را بردارد بگوید این دعا

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا بحق نام تو که پنهان کرده شده خزانه کرده شده

الطَّاهِرِ الطُّهْرِ الْمُبَارَكِ وَاَسْئَلُكَ

پاکی پاک مبارک تو وسؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الْعَظِیمِ وَسُلْطَانِكَ الْقَدِیمِ یَا

بنام تو که بزرگ است و پادشاهی قدیم تو ای

وَاهِبَ الْعَطَایَا یَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰی یَا

بخشنده عطاها وای رها کننده اسیرها ای

فَکَّاكَ الرِّقَابِ مِنَ النَّارِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی

خلاص کننده گردنها از آتش اینکه رحمت فرستی بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ تُعْتِقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ

محمد و آل او واینکه آزاد کردانی کردن مرا از آتش

وان

وَاَنْ تُخْرِجَنِی مِنَ الدُّنْیَا سَالِمًا وَتُدْخِلَنِی

واینکه بیرون کنی مرا از دنیا سالم و داخل کردانی مرا

الْجَنَّةَ اٰمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ دُعَائِی اَوَّلَهُ

در بهشت ایمن واینکه بکردانی دعای مرا که اول آن

فَلَاحًا وَاَوْسَطَهُ نَجَاحًا وَآخِرَهُ صَلَاحًا

رستکاری است ومیان آن فیروزی وآخر آنرا صلاحی

اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُیُوبِ اینست تعقیبات

بدرستی که توئی تو دانای غیبها عامه مطلقه صبحیه

از ادعیه و از قرآن نیز منشیمار است اما باید اقتصار

نمایم بر آیاتی که ثوابش از حد افزون و منافعش از عد

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

بیرون نشت از انجمله سوره حمداست که از حضرت رسول
مرویست که هرکه این سوره را بخواند حق تعالی ثواب
قراءت تمام کتابهای اسمانی را باو عطا فرماید
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله وسلامه
علیه مرویست که هرکه ایة الکرسی را در عقب
هر نماز بخواند مانع نشود او را از دخول جنت
مگر مرگ و مداومت بر این نکند مگر کسیکه از
صدیقان باشد یا عابدان و دیگر از ایات قران ایه شهد الله است
شَهِدَ اللهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِکَةُ
گواهی داده خدا تعالی اینکه نیست خدایی مگر او و فرشتگان

بسم الله الرحمن الرحیم
شهد الله انه لا اله الا هو والملائکة
گواهی داده خدا تعالی اینکه نیست الهی مگر او و فرشتگان

وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ
و خداوندان علم در حالتی که بپا دارنده است عدل را نیست خدایی مگر او غلبه کننده
الْحَکِیْمُ اِنَّ الدِّیْنَ عِنْدَ اللهِ الْاِسْلَامُ وَ
و دانا است بدرستی که دین حق نزد خدا اسلام است و
مَا اخْتَلَفَ الَّذِیْنَ اُوْتُوا الْکِتٰبَ اِلَّا مِنْ
و اختلاف نکرده اند آنها که داده شده اند کتاب را مگر
بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْیًا بَیْنَهُمْ وَمَنْ
بعد از آنکه آمده است ایشانرا علم از روی ستم کشی در میان ایشان و هرکه
یَّکْفُرْ بِاٰیٰتِ اللهِ فَاِنَّ اللهَ سَرِیْعُ الْحِسَابِ
کافر شود بایتهای خدا پس بدرستی که خدا زود حساب است

وهمچنین آیه ملک که آن قل اللهم مالک الملک

بگوای محمد که خداوندای صاحب پادشاهی

تؤتی الملک من تشاء وتنزع الملک ممن

میدهی پادشاهی کسی را که میخواهی ومیگیری پادشاهی را از کسیکه

تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بیدک

میخواهی وعزیز میکنی کسی را که میخواهی وخوار میکردانی کسی را که میخواهی بدست

الخیر انک علی کل شیء قدیر تولج اللیل

خیر بدرستی که تو بر هر چیز توانایی داخل میکنی شب را

فی النهار وتولج النهار فی اللیل وتخرج

در روز وداخل میکنی روز را در شب وبیرون می آوری

الحی

الحی من المیت وتخرج المیت من الحی

زنده را از مرده وبیرون می آوری مرده را از زنده

وترزق من تشاء بغیر حساب چون در حدیث

وروزی میدهی هر که را میخواهی بی حساب وارد شده

که چون خداوند عالم خواست که ایشان را با حمد وآیة

الکرسی بسوی بنی آدم فرو فرستد ایشان متعلق

بعرش الهی گشته راضی نمیشدند که ما در تهابت

تنزه وتقدس وبنی آدم عصیان پروردکار خود

مینمایند ومشغول بانواع ذنوب میکردند پس

خداوند عالم از جهت استرضای ایشان قسم بجلال

وبزرگی وجمال خود یاد نمود که هیچ بنده نمیخواند
شما را در عقب هر فریضه مگر اینکه ساکن میگردانم
او را در جنّة الخلد بر ایشان از جهت این موهبت
راضی شده نازل گردیدند واز جهت قبول طاعات
ورفع درجات این سه آیه را از سورهٔ مبارکه
مبارکه والصّافات بخواند سُبحانَ ربِّكَ
ربِّ العِزَّةِ عمّا یَصِفُونَ منزهست پروردگار تو
پروردگار عزت از آنچه وصف میکنند مشرکان وَسَلامٌ علی المُرسَلِینَ
وَالحمدُ للهِ ربِّ العالَمِینَ وسلام باد بر پیغمبران فرستاده شده
وسپاس مر خدایرا که پروردگار عالمیانست وفواید دیگر نیز واقع

شده

شده واز برای دفع شر جن وانس این سه آیه را از سوره
الرحمن بخواند یا مَعشَرَ الجِنِّ وَالاِنسِ اِنِ استَطَعتُم
ای گروه جن وانس اگر توانید
اَن تَنفُذُوا مِن اَقطارِ السَّمٰواتِ وَالاَرضِ
که بیرون روید از کنارهای آسمانها وزمین
فَانفُذُوا لا تَنفُذُونَ اِلّا بِسُلطانٍ فَبِاَیِّ
پس بیرون روید نتوانید رفت مگر بحجتی پس بکدام
آلاءِ رَبِّکُما تُکَذِّبانِ یُرسَلُ عَلَیکُما
نعمتهای پروردگار خودی تکذیب مینمایید فرستاده شود بر شما
شُواظٌ مِن نارٍ وَنُحاسٌ فَلا تَنتَصِرانِ
زبانه از آتش ومس گداخته پس امتناع نتوانید کرد

ودیکر از ایات قرآن چندین ایراست که ترکیب
کرده اند و احادیث بسیار در ثواب بیشمار و فواید
ومنافع ان ها دارد و مشایخ کبار نیز تجربهٔ بسیار
نموده و سفارشات بیشمار بعدم تعلیم آن
بفساق و فجار نموده و اینقدر منافع نقل شده
که هر قصد و هر مطلب و مدعا که خوانده شود البته
بر آورده میشود خصوصا حصول مقاصد و ادای
دیون و تیسیر هر امر عسیری و فتح و کشایش کارها
و ظفر یافتن بر دشمنان و دفع هموم و رفع غموم
حاصل اینکه از جهت حصول هر امری مداومت

بقراءت

نمودن اینها بزودی تاثیر عظیمی دارد بس بهترین
ادعیه و ایاتست و ان ایات اینست

امن الرسول بما انزل الیه من ربه والمؤمنون
کل امن بالله وملائکته وکتبه
ورسله لانفرق بین احد من رسله
وقالوا سمعنا واطعنا غفرانک ربنا
والیک المصیر لایکلف الله نفسا
الا وسعها لها ما کسبت وعلیها ما
اکتسبت ربنا لاتؤاخذنا ان نسینا او اخطانا
ربنا ولاتحمل علینا اصرا کما حملته علی

الذين من قبلنا ربنا ولا تحملنا ما لا
طاقة لنا به واعف عنا واغفر لنا وارحمنا
انت مولينا فانصرنا على القوم الكافرين
بسم الله الرحمن الرحيم الم الله لا اله
الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب
بالحق مصدقا لما بين يديه وانزل الفرقان
ان الذين كفروا بايات الله لهم عذاب
شديد والله عزيز ذو انتقام ربنا اننا سمعنا
مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا
ربنا فاغفر لنا ذنوبنا وكفر عنا سيئاتنا

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب

وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على
رسلك ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف
الميعاد يا ايها الذين امنوا اصبروا وصابروا
ورابطوا واتقوا الله لعلكم تفلحون بسم الله
الرحمن الرحيم الحمد لله الذي خلق السموات و
الارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا
بربهم يعدلون وذا النون اذ ذهب مغاضبا
فظن ان لن نقدر عليه فنادى في الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم

وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
اِذَا جَاءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ
فِي دِينِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ
اِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا وازاين اوراد غافل نبايد بود و بعد
ازان دو سجدهٔ شکر بجای آورد چه در حدیث
وارد شده که هیچ جزا از خیرات ثوابش باین نمیرسد
زیرا که بعد از کشف حجاب حضرت مفتح الابواب
بملائکه ثواب فرماید که بطلبید از جهت او
هرچه میطلبید پس ایشان تمامی خیرات را طلبیده
وخداوند عالم باز کرامت فرماید بعد از انکه خیرات

بسم الله الرحمن الرحیم

تمام بخشیده چون نیز فرماید که بطلبید ملائکه
عرض نمایند که ما را علم بخیرات نیست و انچه بود شما
باو بخشیدید پس حضرت منّان فرماید که بنویسید
همین فعل بندهٔ مرا که جزای او بر منست و ادعیه
دو سجدهٔ شکر بسیار است و اکثر طولانی نهایت
از جهت اینکه ازین ثواب بیشمار اکثر مردم محروم
نباشند حدیثی وارد که اقل آنچه در سجدهٔ شکر گفته
میشود آن است که سر بسجده نهاده بجبینی که سینه
نیز بر زمین چسبیده و سه بار شکراً لله بگوید و
بعد ازان طرف راست رو را و سه بار العفو

بگوید و بعد از ان طرف چپ دو را نیز و سه بار العفو
بگوید و باز بسجده رفته سه بار دیگر العفو بگوید
و بعد از ان هر حاجت که دارد بخواهد که البته روا گردد
و صد بار شکرا نیز در حدیث وارد شده در سجده
شکر **مقصد ثانی** در بیان ادعیه و ایاتی که مخصوص
بصبح و شام است و در این دو وقت شایع و عام و
منافع و فضایل سایر ادعیه تمام است باید دانست که فضیلت
این دو وقت بسیار است و مسمی بساعت غفلت و از
خوبی این دو وقت است که خواب در انها مکروه و شوم است
و صاحب آن مذموم و مشئوم است و احادیث بسیار از

ائمه اطهار در تاکید ادعیه و اذکار و عوذه از شیاطین
و جور سلاطین وارد گشته و در حدیث قدسی وارد
گشته که خداوند عالم خطاب به بنی آدم فرموده که ای بنی
آدم از بیست و چهار ساعت دو ساعت را برای عبادت
من بگردان و باقی از شما باشد و در خصوص صبح
واقع شده که قسمت ارزاق در ان واقع میشود و در حدیث
دیگر وارد که بعد از نماز صبح نشستن و مشغول
باوراد بودن تا طلوع افتاب بهتر است از حرکت در
روی زمین از جهت تحصیل روزی و تجارت و از جمله
اذکار که توانید در این دو وقت بسیار استغفار است چه در

در احادیث بسیار وارد که هر که بعد از نماز صبح و همچنین
بعد از نماز عصر هفتاد بار استغفار کند خداوند عفا
[جهت]
هفتصد گناه کبیره او را بیامرزد و منافع بسیار از
[نیز]
استغفار سیما در اسحار وارد پس از بسیار گفتن آن
غافل نباید بود و از آنجمله تهلیلاتیست که تاکید بسیار
در احادیث ائمه اطهار برده مرتبه پیش از طلوع آفتاب
و ده بار قبل از غروب وارد گردیده و در چندین حدیث
بتاکید تمام از حضرت امام ع فرماید که اگر فوت شود
چیزی از تو از این تهلیلات قضای آنرا بجا آر و حضرت
صادق ع تفسیر فرموده قول خدا تعالی را که فسبح بحمد ربک

قبل

قبل طلوع الشمس و قبل غروبها همین و بعضی از مجتهدین
از جهت این تاکیدات و اخبار و آیات و امر بقضا صریح
[شود بلکه]
امر بوجوب عینی آن قایل شده اند پس احتیاط آنست که ترک
[کند]
تخمینی کرده آنچه گذشته و بجا بیاورد در وقت و فرصت قضا
وان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له
نیست خدایی مگر خدای یگانه نیست انبازی از برای او و از برای اوست [پادشاهی] و از برای [اوست]
الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده
ستایش زنده میکرداند و میمیراند و او زنده که نمی میرد بدست اوست
الخیر و هو علی کل شیء قدیر است و بعد از آن
[آنرا]
خیر و او بر همه چیز تواناست نیز ده بار خواندن این

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بعد از گفتن دو

پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده مرتبه اول تأکید بسیار

اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین

پناه میبرم بخدای شنوای دانا از وسوسه‌های شیاطین

واعوذ بک رب ان یحضرون ان الله هو السمیع

و پناه می برم بتو پروردگار از آنکه حاضر شوند بدرستیکه خدا اوست شنو

ودیگر هفت بار گفتن بسم الله الرحمن الرحیم لا حول
ابتدا میکنم بنام خدای بخشاینده مهربان نیست

ولا قوة الا بالله العلی العظیم که در احادیث

قوتی و توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ وارد گشته که خوا

اند عا هفت بار هفتاد بلا از قصد و بیشتر نه و قم

شد

69

شده که آسان ترین همه جذام و برص و جنون باشد

دفع میکند ودیگر پنج بار گفتن الحمد لله

الذی یفعل ما یشاء و لا یفعل ما یشاء غیره
ستایش مر خدای را

آنخدائی که میکند آنچه را میخواهد و نمیکند آنچه را میخواهد غیر او

استکه باعث قضاء حوائج بسیار میشود همچنین

گفتن سبحان الله العظیم وبحمده استغفر الله
خدا را

تسبیح میکنم خدای بزرگ را و بستایش او مشغولم و طلب آمرزش میکنم

واسئله من فضله است ده بار که باعث

وسؤال میکنم او را از فضل او افزونی روزی است و بسیار

خواندن این ذکر خصوصا بعد از نماز صبح تا

طلوع آفتاب واقع شده که موجب غنا و بی نیازی
میشود چنانچه حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
تعلیم ملعقام نام شخصی فرموده و او بعد از فقر
و احتیاج بسیار از اغنیاء قبیله و خویشان خود گردید
و دیگر نیز ده بار گفتن سُبحانَ اللهِ العَظیمِ وَبِحَمدِه
بپاکی یاد میکنم خداوند بزرگوار را و مشغولم بحمد او
وَلاحَولَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ العَظیمِ
و نیست گردیدن از معصیت و نه قوت بر عبادت مگر بیاری خدای بلند مرتبهٔ بزرگوار
است در صبح و شام که باعث حفظ از چندین مرض
و آلام میشود که اسیر آنها جنون و برص و جذام باشد

ودیگر

و دیگر از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله مرویست
که هر که در این دو وقت هر کدام سه بار بگوید
سُبحانَ اللهِ مِلاَ المیزانِ وَمُنتَهَی العِلمِ وَ
تنزیه میکنم تنزیه خدا بقدر پری ترازو و غایت علم خدا و
مَبلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ العَرشِ وَسِعَةَ الکُرسِی
منتهای خوشنودی خدا هم وزن عرش و بوسعت کرسی
وَالحَمدُ لِلّهِ مِلاَ المیزانِ وَمُنتَهَی العِلمِ وَ
و سپاس مر خدا را بقدر پری ترازو و غایت علم الهی و
مَبلَغَ الرِّضا وَزِنَةَ العَرشِ وَسِعَةَ الکُرسِیِّ وَ
و منتهای خوشنودی الهی و هم وزن عرش و وسعت کرسی و

لا اله الا الله ملاء المیزان ومنتهی العلم
ونیست خدایی مگر خدا بقدر پری ترازو و نهایت علم خدا
ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة
ومنتهای خوشنودی خدا وهم وزن عرش و وسعت
الکرسی والله اکبر ملاء المیزان ومنتهی
کرسی وخدا بزرگست بقدر پری ترازو و منتهای
العلم ومبلغ الرضا وزنة العرش وسعة
علم خدا ومنتهای خوشنودی خدا وهموزن عرش و وسعت
الکرسی خداوند عالم عمر او را زیاد کرداند و نصرت
کرسی
وظفر بدشمنانش دهد و از مردن بد حفظش

فرماید

فرماید و دیگر در هر دو وقت گفتن وخواندن
این آیات است فسبحان الله حین تمسون وحین
پس پاکی یاد کن خدا را هنگامی که شبانگاه درآیید و هنگامی که
تصبحون وله الحمد فی السموات والارض
بامداد درآیید و مر او راست ستایش در آسمانها و زمین
وعشیا وحین تظهرون یخرج الحی من المیت
و شبانگاه و هنگام نماز و هنگام نماز پیشین بیرون می آورد زنده را از مرده
ویخرج المیت من الحی ویحیی الارض بعد
بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را پس از
موتها وکذلک تخرجون [illegible]
[illegible]

مصطفوی ص فرماید که هیچ چیز از خیرات روز و شب

از گوینده این فوت نشود و از هیچ چیزی بی نصیب

نباشد و چون احادیث بسیار در ثواب بیشمار زیارت

برگزیده کان حضرت کرده کا سیما حضرت حسین بن علی المختار

واقع شده که از دور نیز همان حکم دارد خوبست که ختم

این فصل باین فصل بلکه ختم باب نیز باین ثواب

کنیم پس هر وقت که خواهد ادراک این فضل نماید خصوصا

در عقب نمازها باید که اندکی بطرف راست قبله میل

کند و قصد زیارت آنحضرت کرده بگوید

السلام علیک یا ابا عبد الله السلام

سلام بی نهایت بر تو ای ابا عبدالله و درود بی نهایت

ثواب بسیار

علیک

٧٣

علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن

بر تو ای پسر فرستاده خدا درود بی نهایت بر تو ای پسر

امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن سیدة

پادشاه مؤمنان درود بی نهایت بر تو باد ای پسر بزرگ

نساء العالمین السلام علیک یا اخا الحسن

زنان عالمیان درود بی نهایت بر تو باد ای برادر حسن

الرضا و ابا الائمة الهادین المهدیین و

خوشنود و پدر امامان راهنمایان و هدایت یافتگان و

الصلوة والسلام علیکم و علی ارواحکم و

رحمت خدا و سلام بر شما باد و بر جانهای شما و

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)

أَجْسَادِكُمْ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَكُمْ وَغَصَبَ
وبدنهای شما وبیزار باد خدا کسانیکه ستم کردند شمارا وغصب کردند
حَقَّكُمْ وَقَتَلَكُمْ وَأَبْرَءُ اِلَى اللهِ وَاِلَيْكُمْ مِنْهُمْ
حق شمارا وکشتند شمارا وبیزاری میجویم بسوی خدا وبسوی شما از ایشان
وَصَلَوَاتُ اللهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ
ورحمتهای خدا وسلام او برشما باد ورحمت خدای برتو باد
وَبَرَكَاتُهُ وچون زیارت حضرت امام رضا ع
وبرکتهای او نیز ثواب بسیار دارد روبمشهد آنحضرت
کرده بگوید اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ
درودی نهایت برتو باد ای دوست خدا وپسر

زیارت حضرت امام رضا

ولیه

وَلِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللهِ وَابْنَ
دوست خدا درودی نهایت برتو باد ای برگزیده خدا وپسر
صَفِيِّهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ وَابْنَ
برگزیده خدا درودی نهایت برتو باد ای حجت خدا وپسر
حُجَّتِهِ وَالصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ
حجت خدا ورحمت ودرودی نهایت برتو باد ای آقای من
وَابْنَ مَوْلَايَ يَا اَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى
وپسر آقای من ای ابا الحسن علی پسر موسی
الرِّضَا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ ونیز هر یك از ائمه
خوشنود ورحمت خدای برتو باد وبرکتهای او ائمه معصومین وحضرت

زیارت صاحب الامر ع

بغیر صلوات الله علیهم را باسمهم میتوان زیارت کرد ابن

زیارت حضرت صاحب الامر علیه السلام است سید بن طاوس ره

ذکر کرده است که مستحب است که هر روز بعد از

نماز صبح حضرت صاحب الامر عم را چنین زیارت

کند اللهم بلغ مولای صاحب الزمان صلوات

خداوندا برسان بآقای من صاحب زمان رحمتهای

الله علیه عن جمیع المؤمنین والمؤمنات

خدای بر او باد از جانب همه مؤمنین و مؤمنات که هستند

فی مشارق الارض ومغاربها وبرها وبحرها

در مشرقهای زمین و مغربهای زمین و بیابانها و دریاهای زمین

وسهلها

وسهلها وجبلها حیهم ومیتهم وعن

و هموارهای زمین و کوههای زمین با زنده ایشان و مرده ایشان و از جانب

والدی وولدی وعنی من الصلوات والتحیات

والدین خودم و فرزندان خودم و از جانب خودم از رحمتها و درودها

زنة عرش الله ومداد کلماته ومنتهی

هم وزن عرش خدای عز و جل و قدر مرکب با نویسندگی کلمهای خدا و قدر منتهای

رضاه وعدد ما احصاه کتابه واحاط

رضای او بیجا و عدد آنچه را که شماره کرده او را کتاب او و احاطه کرده

به علمه اللهم اجدد له فی هذا الیوم و

بان دانش او بار خدایا تازه بگردان برای او یعنی صاحب الامر در این روز و

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی ...

فِي كُلِّ يَوْمٍ عَهْداً وَعَقْداً وَبَيْعَةً لَهُ فِي
در هر روز پیمان و عقد بستن در بیعت او باعتقاد بامامت

رَقَبَتِي اَللّٰهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهٰذَا التَّشْرِيفِ
در گردن خودم خداوندا چنانکه مشرف ساختی مرا باین تشریف و کرامت

وَفَضَّلْتَنِي بِهٰذِهِ الْفَضِيلَةِ وَخَصَصْتَنِي
و زیادتی دادی مرا باین زیادتی گران بها و تخصیص دادی مرا

بِهٰذِهِ النِّعْمَةِ فَصَلِّ عَلَىٰ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي
باین نعمت عظمی پس رحمت بفرست بر آقای من و سرور من

صَاحِبِ الزَّمَانِ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ
حضرت صاحب الزمان و بگردان مرا از یاوران او و

اشیاعه

أَشْيَاعِهِ وَالذَّابِّينَ عَنْهُ وَاجْعَلْنِي مِنَ
شیعیان او و از دفع کنندگان از جناب او بهتانهای لعین و بگردان مرا از آن کسانیکه

الْمُسْتَشْهَدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَائِعاً غَيْرَ مُكْرَهٍ
فایز گردند بشهادت در پیش روی او از راه طوع و رغبت نه آنکه مکروه طبع باشند

فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَّ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ
در صفی آنچنان صفی که ستوده اهل آنرا در کتاب خود

فَقُلْتَ صَفّاً كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ عَلَىٰ
پس فرموده که ایستاده اند صف زده گویا که ایشان بنا اند از رصاص ساخته شده و استحکام بر

طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ
انقیاد تو و انقیاد فرستاده تو و آل او بر ایشان است

السَّلَامُ اللّٰهُمَّ هٰذِهِ بَیْعَةٌ لَهُ فِی عُنُقِی اِلیٰ

سلام و یمنی خداوندا این بیعتی است بآن حضرت در گردن من تا

یَوْمِ الْقِیَامَةِ این دعائیست که مسمّی است

روز قیامت بدعای حریق شیخ بن فهد روایت

کرده است که روزی ابو الدرداء را خبر دادند که

خانه‌ات سوخته است گفت نسوخته است دیگری

خبر داد همچنین گفت تا سه مرتبه پس معلوم شد که

خانهای اطراف همه سوخته و خانهٔ او نسوخته گفتند

از چه دانستی که خانهٔ تو نسوخته گفت زیرا که من

شنیدم از حضرت رسول خدا صلعم که هر که در صبح

این

٧٥

این دعا بخواند در آن روز بدی باو نمیرسد و اگر در

شام بخواند در آن شب بدی باو نمیرسد و من این دعا را

خوانده بودم دعا اینست اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ

خداوندا توئی پروردگار نیست مستحق عبادتی غیر تو من

عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَاَنْتَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ

بر تو اعتماد کرده‌ام و تو پروردگار عرش بزرگی

وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیْمِ

و نیست گردیدنی از معصیت و نه قوتی بر طاعت مگر بخدای بلند مرتبهٔ بزرگ

مَا شَاءَ اللّٰهُ كَانَ وَمَا لَمْ یَشَأْ لَمْ یَكُنْ اَعْلَمُ

آنچه خواسته است خدا بوده است و آنچه نمیخواهد نمی‌باشد میدانم

أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللهَ قَدْ

بدرستی که خدا بر هر چیز تواناست و بدرستی که خدا بتحقیق

أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ

احاطه کرده است بهر چیز علمش خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو

مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ

از بدی نفس خودم و از بدی هر جنبنده که تو گیرنده

بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ این دعا را

موی پیشانی او ز ابدرستی که پروردگار من بر راه راست است

بعد از نماز صبح جهت بر آمدن مهمات بخواند بسند

معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقولست که کسیکه

این دعا

این دعا را بخواند بعد از نماز صبح هیچ طلب حاجتی

را مگر آنکه میسر شود برای او و کفایت میکند

از او آنچه غم او میشود و دعا اینست بسم الله الرحمن

بنام خدای بخشاینده

الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ

مهربان بنام خدا و رحمت کند خدا بر محمد و

آلِهِ وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللهِ إِنَّ اللهَ بَصِيرٌ

آل او و وامیگذارم کار خود را بسوی خدا بدرستیکه خدا بیناست

بِالْعِبَادِ فَوَقَاهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا لَا

ببندگان پس نگاه داشت خدا از بدیهای آنچه ایشان مکر کردند نیست

لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

خدایی مگر تو پاکی یاد میکنم ترا بدرستیکه بودم من از

الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من

ستم کنندکان پس اجابت کردیم از برای او و نجات دادیم او را از

الغم وکذلک ننجی المؤمنين حسبنا الله

غم وچنین نجات میدهیم مؤمنان را بس است ما را خدا

ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من

ونیکو وکیلیست پس بازکشتند ایشان بنعمتی از جانب

الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء

خدا وزیادتی نعمتی نرسید بایشان مکروهی آنچه خواسته است

الله لا حول ولا قوة الا بالله ما شاء

خدا میبود نیست کردیدنی ونه قوتی مکر بخدا آنچه خواسته است

الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان

خدا میشود نه آنچه خواسته اند مردمان آنچه خواسته است خدا میشود واکر

کره الناس حسبی الرب من المربوبین

ناخوش دارند مردمان بس است مرا پروردکار از پرورده شدکان

حسبی الخالق من المخلوقین حسبی

بس است مرا آفریننده از آفریده شدکان بس است مرا

الرازق من المرزوقین حسبی الذی

روزی دهنده از روزی داده شدکان بس است مرا آنکسی که همیشه

لم یزل حسبی من کان منذ کنت حسبی

همیشه بس بود مرا آنکسی که بود مرا آنکسی که بوده است از زمانی که بوده ام بس است مرا

حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ
بس است مرا خدا نیست خدایی مگر او براو توکّل کردم
وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ دعای جلیل
واوست پروردگار عرش بزرگ الله اعظم الشأن
منقولست از حضرت امیر المؤمنین ع
که فرمود کسی که تقرّب جوید بسوی خدا
باید دعا و بخواند این اسما را بر آورد
خدا برای او حاجتهای دنیا و آخرت او را
و برکت بدهد در آنچه باو داده است و پادشاهی
عظیمش بدهد و بدهد از دنیا و آخرت آنچه

خواسته

٧٩

خواسته باشد و اگر صاحب پادشاهی باشد
قرب بدهد خدا پادشاهی او را باعانت خودش
و دوستی او را در دل خلقش بیفکند از دو سبع
کند روزی او را و بزرگی او را و نیکو کند
ذکر او را و فتح را بر دستهای او قرار دهد و
پناه دهد و یاری کند او را و اگر دعا کند
کسیکه ترسیده باشد خدا ایمن میگرداند
او را و اگر از صاحب سلطنتی ترسد ایمن گرداند
او را از شرّ او و مسخّر گرداند او و او را زیردست
او کند و اطاعت کنند او را و [illegible] عنایت

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بسم الله وبالله والحمد لله ولجأت

بیاری نام خدا وبیاری ذات خدا وهمه ستایش مخصوص خداست وپناه بردم

امری الی الله وما توفیقی الا بالله

کار خود را بسوی خدا ونیست توفیق یافتن من مگر بیاری خدا

وما النصر الا من عند الله وما بنا

ونیست یاری مگر از جانب خدا وآنچه با ماست

من نعمة فمن الله وما صبری الا

از نعمت پس از خداست ونیست صبر کردن مگر بیاری

بالله نعم الوکیل ونعم النصیر الله و

خدا وخوب یاری کننده ایست وکیل وخوب یاری کننده ایست خداوند

استعین بالله وصلی الله علی ملئکة

یاری میجویم بخدا ورحمت فرستد خدا بر ملائکه خدا

وعلی انبیاء الله وعلی الصالحین

وبر پیغمبران خدا وبر شایستگان

من عباد الله این دعا جلیل القدر معروفست

از بندگان خدا بدعای شمشیر ودعای سیفی

منشأ صدور این دعای جلیل القدر را

شیخ کفعمی رحمه الله بدو طریق روایت

کرده طریق اوّل روایت کرده است که حضرت
سید الشهدا اباعبدالله الحسین علیه السلام
فرمودند که یکی از پادشاهان یمن بخدمت
حضرت امیر المؤمنین ع آمد و با او بود چهار
هزار مرد و گفت السلام علیک و رحمة الله
و برکاته بدرستی که من مردی هستم از منتهای
ولایت یمن از بزرگان عرب از کسانی که
نسبت خویش دارد بتو و فخر میکنیم بتو و عبادت
میکنیم خدا را بدوستی تو و بتحقیق که وا
گذاشته ام مملکت بسیاری و مرا دشمنی هست

که هفتاد هزار سواره دارد و میخواهد دور
کند مرا از تخت من و بیرون کند مرا از پادشاهی
من و در باب آن دشمن چون چاره بر من تنگ
شد کار خود را بخدا واگذاشتم پس شبی در خواب
دیدم که هاتفی میگفت برخیز و برو بخدمت
بهترین خلق خدا بعد از پیغمبر او ص که امیر المؤمنین
است ع و بخواه از او دعائی که تعلیم کرده است
او را پیغمبر ص که در آن دعاست اسمهای بزرگ
خدای تعالی و سخنهای تمام خدا بدرستی که اگر بخوا
آن دعا را واجب میشود بحضرت تو از جانب خدا

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
[illegible]

بر دفع دشمن پس بیدار شدم ای امیر المؤمنین
و متوجه هیچ چیز نشدم تا اینکه رسیدم
بخدمت تو با چهار هزار مرد و آمده ام بقصد
خدمت تو از راه دور و مسافت دراز پس منت
کذاری بر من ای امیر المؤمنین پس قسم میدهم
ترا بحق فضیلت و بزرکی قدیم تو و بحق پدری
و خویشی که هست میان من و تو که در و اکنی
مطلب مرا و تعلیم کنی مرا دعائی که هاتف در
خواب بمن کفت که بیایم بخدمت تو در طلب آن
پس امیر المؤمنین ع فرمود که آری روا میکنم

مطلب

مطلب ترا انشاء الله تعالی پس آنحضرت کاغذ و دوات
طلبید و نوشت از برای او این دعا را و بلفظ مبارک
خواند بر او این دعا را و با او فهمانید و بعد از آن باو داد
ابن طاوس علیه الرحمه در کتاب مهج الدعوات
نقل کرده است که زراقه قائل حین متوکل عباسی
بود در زمان خلافت او کفت که میخواست متوکل
که ظاهر سازد تقرب و منزلت فتح بن خاقان که
وزیر اعظم او بود او بود بر مردم آنقدر منزلت و قرب
که هیچکس را از خویشان و سایر ارکان دولت را
نبود پس فرمود تمام ارکان دولت خود را از اشراف اهل مملکت

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی ... شادروان حسین کی استوان

وبزرگان وامرا و وزرا وسرکردها وتمام
لشکریان که زینت کنند بهترین زینتی ودیبا
راه روند درجلو او تا جائی که معین کرده بود
ازبرای ایشان وسوار نشود کسی مگر خودش
و وزیر اعظمش فتح بن خاقان وپس پیاده
شدند مردمان درجلو ایشان هرطائفه در مرتبه
خود وآن روز بسیار گرم بود واز جمله پیادها
بود در آن روز حضرت امام علی نقی ع و بر آنحضرت
شاق نمود گرما و زحمت پیاده روی زراقه گوید
که بخدمت آنحضرت عرض کردم که بخدا قسم که سخت

نمود بر من آنچه رسید بتو از این گروه ستمگر و
آنچه کشیدی از مشقت و زحمت و گرفتم دست
آنحضرت را پس تکیه کرد بر من از راه ماندگی و فرمود
که شتر صالح پیغمبر عظیم تر نبود قدرش نزد خدا
از من پس سخن میگفتم در خدمت آنحضرت تا اینکه
متوکل از سواری برگشت و فرمود که مردمان مرکبها برگردند
بخانه و منزلهای خویش و آوردند برای هر کسی چارپای او
سواری ایشان را پس سوار شدند بجانب منزلهای
خود و من بردم بخدمت آنحضرت استری و سوار
شدند و من سوار شدم و بودم در خدمت

انحضرت تا منزل شریف ایشان پس وداع کرد
ایشانرا و بخانه خود امدم و حاضر بود مردی از
بفقل
شیعیان در خانه من که تعلیم میکرد اولاد پس
کردیم با یکدیکر سواری متوکل و فتح بن خاقان
را و پیاده بودن مردمان عظیم القدر در جلو
ایشان و کفتم بمعلم آنچه شنیده از انحضرت که
فرموده که شتر صالح پیغمبر عظیم تر نبود قدرش
نزد خدا از من و ان معلم با من چیزی میخورد
کفت بخدا قسم که تو شنیدی این لفظ را از ان
حضرت کفتم بلی بخدا قسم که شنیدم پس معلم

کفت

کفت بدانکه متوکل زنده نمیماند بیشتر از
سه روز و هلاک میشود فکر کار خود بکن
و جمع کن و حفظ کن انچه اراده داری حفظ
آنرا در این سه روز بمعلم کفتم از کجا میکوی
که زیاده بر سه روز زنده نمیماند معلم
کفت خدای تعالی فرموده فرموده است
در قصه قوم صالح تَمَتَّعُوا فِی دَارِكُمْ
ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ
یعنی بهره ور شوید در خانهای خود
سه روز این وعده حق است و دروغ

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی

نیست بعد از سه روز عذاب خدا بر ایشان نازل
شد و هلاک شدند و معلم گفت که جایز
نیست که سخن امام بی اصل باشد زراقه
گفت بخدا قسم که سه روز تمام نگذشت
که هجوم کرد منتصر که یکی دیگر بود از خلفای
بنی العباس و با او بودند ترکان و بیختند
بر متوکل و فتح بن خاقان پس پاره پاره کردند
هر دو را بحدی که پارهٔ تن متوکل از پارهٔ تن
فتح نمیتوانست شناخت و زایل کرد ایزد الله تعالی
نعمت متوکل و پادشاهی او را گفت زراقه که بعد از

واقعه

لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ
أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ
بِسْمِ اللهِ وَاللهُ أَكْبَرُ پس نحر کن یا ذبح و بگو
اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي طهر و آداب نماز میت
و نیت چنین کند که نماز بر این میت حاضر میکنم از
برای آنکه واجبست قربة الی الله و بعد از نیت
بگوید اَللهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا
بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ پس بگوید اَللهُ أَكْبَرُ اَللّٰهُمَّ

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسن کی استوان

صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد
و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل
ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم
و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل
علی جمیع الانبیاء و المرسلین پس بگوید
الله اکبر اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات
و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم
و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات
انک مجیب الدعوات انک علی کل
شیء قدیر پس بگوید الله اکبر اللهم

ان

ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک
نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا
لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا
اللهم ان کان محسنا فزد فی احسانه
و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له
اللهم اجعله عندک فی اعلی علیین و
اخلف علی اهله فی الغابرین و ارحمه
برحمتک یا ارحم الراحمین پس میگوید
الله اکبر و فارغ میشود و اگر زن باشد می
گوید اللهم ان هذه امتک و ابنة

امتك نزلت بك وانت خير منزول به
اللهم انا لانعلم منها الا خيرا وانت
اعلم بها منا اللهم ان كانت محسنة
فزد في احسانها وان كانت مسيئة
فتجاوز عنها واغفر لها اللهم اجعلها
عندك في اعلى عليين واخلف على
اهلها في الغابرين وارحمها برحمتك
يا ارحم الراحمين واگر مذهب ميت معلوم
نباشد بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم
ان هذه النفس انت احييتها وانت

امتها

امتها اللهم ولها ما تولت واحشرها
مع من احبت واگر ميت طفل نابالغ باشد
بعد از تكبير چهارم بگويد اللهم لابويه
ولنا سلفا وفرطا واجرا وكان يدعو
عليه السلام اذا نظر الى الهلال ايها الخلق
المطيع الدائب المتردد في منازل
التقدير المتصرف في فلك التدبير
امنت بمن نور بك الظلم واوضح بك
البهم وجعلك اية من ايات ملكه و
علامة من علامات سلطانه وامتهنك

بالزيادة والنقصان والطلوع والافول
والانارة والكسوف في كل ذلك انت
له مطيع والى ارادته سريع سبحانه
ما اعجب ما دبّر في امرك والطف ما
صنع في شانك جعلك مفتاح شهر
حادث لامر حادث فاسأل الله ربي
وربك وخالقي وخالقك ومقدري
ومقدرك ومصوري ومصورك ان
يصلي على محمد واله وان يجعلك
هلال بركة لا تمحقها الايام وطهارة

لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات
وسلامة من السيئات هلال سعد لا
نحس فيه ويمن لا نكد معه ويسر لا
يمازجه عسر وخير لا يشوبه شر هلال
امن وايمان ونعمة واحسان وسلامة
واسلام اللهم صل على محمد واله و
اجعلنا من ارضى من طلع عليه و
ازكى من نظر اليه واسعد من تعبد
لك فيه ووفقنا فيه للتوبة و
اعصمنا فيه من الحوبة واحفظنا

ع

مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَاَوْزِعْنَا فِيهِ
شُكْرَ نِعْمَتِكَ وَاَلْبِسْنَا فِيهِ جُنَنَ
الْعَافِيَةِ وَاَتْمِمْ عَلَيْنَا بِاسْتِكْمَالِ الطَّاعَةِ
فِيهِ الْمِنَّةَ اِنَّكَ الْمَنَّانُ الْحَمِيدُ وَصَلَّى
اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

دعای وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ عقیقه فرزند

در حدیث موثق فرموده که این دعا بخوانند يَا قَوْمِ
اِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ
لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا
مُسْلِمًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ اِنَّ

صلوتی

مکونات خود را در هیکل خطیر با وج ارادتی رسانید
و همچنین بر آل اطهار و اولاد امجاد اخیار او بادکه
هر یک مختار حضرت کردگار و قطب مدار کارخانه
بی بهره دگار و خلفاء جبارند و نور شریفشان
مشتق از نور حضرت غفار و از وظایف شوق و
کثرت ذوق عبادت و اذکار مشغول بان مبتوده
پیش از خلق عالم و آدم بچندین هزار سال در عالم
انوار تسبیح اسماء الله و سر الله قسیم الجنة والنار
حیدر کرار که اضافه بر مقرری و علاوه بر
موظفی هر شب هزار رکعت نماز میکرده و از
بسیاری دعا و اذکار ملقب بدعا گشته تا به نهاد
خویش از دار غرور رهانید صلوات الله وسلامه

...ادت بعد از معرفت ... مکلف و در آزاء اذا
آن ایشان از تشریفات عاجله و آجله سرافرا[ز]
و مشرف گردانیده و درود نامعدود و بیقو...
صلوات و تحیات غیر محصور و محدود بر حضر...
برگزیدگان معبود و صاحب مقام محمود و ...
... الی وجود هر موجود ابی القاسم محمد که نام مصطفی
امیش و اسم شریف گرامیش چون اسم اعظم دعا
مستجاب هر یک از انبیاء اولی العزم بود و از کثرت
طاعت و تحمل مشقت عبادت پنهان ... مبارک ...
... بود که بر براق و شرف رفرف بعد از سیر

صلوتی [و نس]کی و محیای و مماتی لله
رب العالمین لا شریک له و بذلک
امرت و انا من المسلمین اللهم منک
و لک بسم الله و بالله و الله اکبر اللهم
صل علی محمد و آل محمد و تقبل من
فلان بن فلان و نام فرزند را ببرد و آنرا
و سنتهاست بکشند که پدر و مادر گوشت
عقیقه نخورند بلکه بهتر آنست که از طعامی کرده
آن پخته باشد نخورند و سنتست که استخوانها
نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنتست

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

[illegible]

که آبیونات ببرپزند در حیوان عتیقه
بهم نرسد قیمتش را تصدق ... خواست
و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه حاضر
شوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا طلبیدن

بهتر است

بازبینی شد
۱۳۷۱ ش

[illegible]

[illegible]

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان